



۱۶م حکمت‌زاده

خبرنامه داخلی مجمع عالی حکمت اسلامی
سال چهارم - شماره شانزدهم
پردازش شیراز - پرنامه آنلاین ۴۵

در این شماره

- زندگینامه حجت‌الاسلام والملمین مهندسی «»
- بیانیه مجمع عالی حکمت اسلامی به مناسبت بزرگداشت علامه طباطبائی «»
- گزارش میزگرد علمی قانون و نظریه‌های علوم طبیعی از نگاه فلسفی
- اخبار علمی - فرهنگی مجمع عالی
- معرفی کتاب





مجمع عالی حکمت اسلامی در راستای
تقویت توان علمی طلاب و دانش پژوهان محترم در
حوزه علوم عقلی اسلامی، هشتمین دوره آموزشی
کوتاه مدت را با موضوعات ذیل برگزار می کند:

+ امامت تطبیقی (تحلیل و بررسی امامت)

حجت الاسلام والمسلمین استاد زهادت

زمان: چهارشنبه - بعد از نماز مغرب و عشاء

+ روان‌شناسی دین از دیدگاه ویلیام جیمز

حجت الاسلام والمسلمین دکتر آذربایجانی

زمان: یکشنبه - ۱۸ تا ۲۰

+ فلسفه ذهن (نقاط قوت و ضعف دیدگاه‌های معاصر فلسفه ذهن)

آقای دکتر ذاکری

زمان: سه‌شنبه - ۱۶ تا ۱۸

+ فلسفه تحلیلی (با رویکرد تطبیقی به مباحث الفاظ علم اصول)

حجت الاسلام والمسلمین دکتر عبداللهی

زمان: یکشنبه - ۱۸ تا ۲۰ پنج‌شنبه - ۸ تا ۱۰

+ فرق انحرافی معاصر (صوفیه، غالیان، اهل حق، شیخیه، بهائیت، و...)

حجت الاسلام والمسلمین استاد رضانزاد

زمان: شنبه، یکشنبه و چهارشنبه - دو ساعت به غروب

عالقمدان جهت کسب اطلاعات بیشتر به دفتر مجمع عالی حکمت اسلامی واقع در خیابان ۱۹ دی، کوچه

۱۰، فرعی اول سمت چپ، پلاک ۵ مراجعه و یا با تلفن ۷۷۵۷۶۱۰-۱۱ تماس حاصل نمایند.

حکمت

خبرنامه داخلی مجمع عالی حکمت اسلامی
سال چهارم - شماره شانزدهم
در ۱۴۰۰ تیریور - ۲۰۲۱ آبان



- | | |
|----|---|
| ۱ | سخن نکست |
| ۲ | لندگی نایاب حکمت اسلام و المسلمین بهداشی (زاده) |
| ۳ | بایله مجمع عالی حکمت اسلامی به مناسبت درگذشت |
| ۴ | حکمت اسلام و المسلمین بهداشی (زاده) |
| ۵ | لندگی نایابه نهاده طباطبائی (زاده) |
| ۶ | بایله مجمع عالی حکمت اسلامی به مناسبت هرگذشت |
| ۷ | علایه طباطبائی (زاده) |
| ۸ | گزارش نهضتی هیزگرد علمی، تأثیر و نظریه های علوم |
| ۹ | طبیعی از تکاء فلسفی |
| ۱۰ | افتخار علمی و فرهنگی مجمع عالی |
| ۱۱ | میرفی کتاب |

خبرنامه داخلی حکمت اسلامی
سال چهارم - شماره شانزدهم
مرداد و شهریور - ۱۴۰۰ و آبان ۹۰

زیر نظر:
مدیر اجرایی مجمع عالی حکمت اسلامی
امور اجرایی:
سید سعید شادجوانی

با تشکر از:
خدمات پژوهشی مجمع عالی حکمت اسلامی
(آقایان حسن مجتبی (اطراحی جلد و سند) (زاده) و
محمدعلی شادجوانی)

آدرس: قم / خ ۱۶ دی (پارک) / کوچه ۱۰ / فرعی اول سمت چپ / پلاک ۵

تلفن: ۰۳۱-۷۷۵۷۶۱۰-۷۷۲۱۰۰۴

صندوق پستی: ۴۴۵۴-۳۷۱۸۵

پیام کوتاه: ۳۰۰۰۹۰۰۰۹۱۳۸۴

www.hekmateislami.com

Info@hekmateislami.com

با سپاس از حضرات حجج اسلام و المسلمین آقایان رضاخانزاد، عباس و علی

به مدد المفاسد آینی و توجیهات حضرت ولی عصر(عج) مجمع عالی حکمت اسلامی سال تحصیلی ۹۰-۹۱ را با توجه به نکات و موارد ذیل شروع نمود:

۱. برنامه های آموزش سال تحصیلی جدید در حالی آغاز شد که با کمال تأسی و تأثیر ۲۷ تیر ۱۳۹۰ حجت الاسلام والصلیم استاد محمد مهدی مهندسی (ره) از اعضای هیئت مدیره مجمع عالی حکمت اسلامی دار قانی را دفع و به دیار پالق شافت شروع شروع سال تحصیلی خلاصه جبران نایابی نسبت به از دست دلخواه استاد مهندسی (ره) بوجود اورد. به گونه ای که بسیاری از شاگردان ایشان روزهای متعددی را در انتخاب درس و استاد جدید متوجه بودند به حق من توکن گفت فقدان موجود مهندسی ضریبی ای به فضای علمی بپیزد در حوزه حکمت اسلامی محسوب می شود.
۲. اعلان برنامه های آموزشی سال تحصیلی ۹۰-۹۱ یکی دیگر از نکات قابل توجه من مانند بحدله استقبال بسیار جشنگیر داشت بروهان محترم از دروس اسلامی، مجمع عالی را بر آن دانست تا در سال های آین در برنامه های آموزشی خود مصمم تر از قبل باشد.
۳. خدا را شاگردی که بر اساس آمار و مشاهده وضعیت موجود اسائل شاهد اقبال بسیار گستره از دروس اسلامی مجمع من پذیری، اعتماد داشت بروهان محترم را به مجمع عالی ارج من زدیم و امیدواریم همواره پتوانیم در راستای اعتمادسازی گام ببرداریم.
۴. در خصوص دروس اعلام شده از سوی مجمع عالی، لازم من دانیم این نکته را مذکور شویم که در ساله مجمع عالی حکمت اسلامی بر اساس امکانات خود، فقط قادر به تحت پوشش فرازداندن بخشی از دروس حوزه حکمت اسلامی می باشد که همین جا شکر و اختصار خود را از تمام اسایش معمولی که در راستای ترویج و کشتر ش حکمت اسلامی تلاش می کنند و بواسطه کمبود امکانات قادر به پوشش برنامه های آموزشی آین نمی پذیریم. تقدیم من دارم.
۵. پرگزاری نشست های علمی از موارد حائز اهمیت است که همچون سال های گذشته با برنامه های مناسب صورت گرفته است.
۶. آنچه در خصوص نشست های علمی من توکن گفت این است که همواره تلاش بر این بوده و هست که در نشست های علمی فضای علمی بر تحقیقات و احاسانات حاکم شود.
۷. فضای ازاد اندیشی، کرسی های نظریه برداری، نشست های نقد و نظر و میزگرد های علمی همواره در پرگزاری نشست های علمی مورد توجه ستولان مجمع عالی حکمت اسلامی بوده و هست.
۸. آنچه که امروز متألفانه در بخشی از فضای جامعه علمی با ان روبرو هستیم، شکل گیری جویانات غیرعلمی و غیر منطقی است که مع الاصف به جای نقد و بررسی جویانها و تفکرات علمی، به تخریب و اهانت تفكیر و متفکران من برداشته که هیچ کدام مورد قبول شرع و عقل نمی باشد.
۹. بر اساس آموزه های دین، نمی توانیم با بیان های مختلفی همچون احسان تکلیف و... به تخریب شخصیت و پا اهانت به پرخی افراد که با مسلک و مردم ما همخوانی ندارند بپردازیم.

شخصیت‌هایی که بسیاری از آن‌ها از مقاومت جامعه علمی اسلامی و مکتب برای مقاومت شیعه محسوب می‌شوند شخصیت‌هایی که امروز در جبهه مقابله با حرکت‌های الحادی و بدعت‌های خطرناک در جهان اسلام محسوب می‌شوند شخصیت‌هایی که الحق و الانتصاف با فکر، قلم و بیان خود خدمات شایانی را در خصوص معرفی و تبیین فرهنگ عین اسلامی ارزانی داشته‌اند پحمدالله مجتمع عالی حکمت اسلامی از بدو تأسیس تاکنون بر آن بوده و هست که در نشست‌های علمی خود فضای عالمانه را حاکم نماید و از احسانات و تعبیبات نایبجا پرهیز کند که در این خصوص تاکنون در نشست‌ها و جلسات گروه‌های علمی خود از صاحب نظران مختلفی که با هم تفاوت دیدگاه دارند، دعوت به عمل آورده که ضمن احترام به محض تمام عالمان و اندیشمندان، در یک معیبطاً کاملاً علمی و منطقی به برسی و تقدیم‌گاهها پرداخته گه کارنامه درخشان مجتمع عالی در نشست‌های صورت گرفته کوهه این مدعایی باشد مجتمع عالی حکمت اسلامی امدادگی خود را جهت استمرار این نشست‌ها با حضور کارشناسان با گرایشات مختلف اعلان می‌دارد و دست اندیشمندان فرازنه که آکادمی ادب ماناظره و گفتگوی علمی می‌باشد را که به گرمن می‌نشارد در بایان از تمام علاقمندان و دلسویزان به اعتلای فرهنگ عین اسلامی استدعا داریم تا با ازنه انتشارات پیشنهادها و نقطه نظرهای خود را در برگزاری هر چه بهتر برنامه‌های آموزشی و پژوهشی باری فرمایند.

محمد باقر خوارزمی
مدیر اجرایی





نگاهی اجمالی به زندگی استاد حضرت حجت الاسلام والملمین حاج شیخ محمد مهدی مهندسی (ره)

بحث تدریس از آغاز تحصیل سمن می شد که تدریس کتب خوانده شده انجام گردید لذا به توفيق الهی همه کتب مقدماتی و سطح عالی تا انتها کتابهای الاصول را یک با برخی از آنها را چند بار تدریس داشتم. در کلام و فلسفه، شرح باب حادی عشر را چند بار و شرح تحرید الاعتقاد را چند بار و بنا بر تحریکه را چندین دوره و نیز تهایان حکمه را پیش از دوره و شرح متفقونه متعلق سیزوازی (ره) تو دوره و شرح متفقونه حکمت را سه دوره و شرح اشارات را سه دوره، تدریس داشته و در بخش تدریس علوم ریاضی، پکنوره دروس هشت و ریاضی علامه حسن زاده امین را تدریس نموده‌ام.

حضرت استاد مهندسی در بخش حکمت، کتاب اسفار مرحوم صدرالحالاتین را تدریس گرده و در بخش عرفان، علاوه بر تدریس چندین دوره کتاب سنتگین تمہید القواعد ابن ترکه که شرح قواعد التوحید بوجه احمد افهادی است به تدریس شرح فضوس الحکم علامه فصری مشغول بودند اسلام معظم، بیش از ۱۸ سال محققانه بر کرسی تفسیر آیات الهی نشسته بودند و شاگردان خود را با جلسات تفسیر قرآن، پیروزمند می کردند.

مسئولیت‌ها و فعالیت‌های علمی

۱. عضو هیأت مدیره مجمع عالی حکمت اسلامی;
۲. مدیر گروه اخلاق دانشگاه معارف اسلامی قم;
۳. استاد مرکز تخصصی فلسفه حوزه علمیه قم;

حضرت حجت الاسلام والملمین مرحوم حاج شیخ محمد مهدی مهندسی، به تاریخ ۱۳۴۴ در شهر اباد، چشم به جهان گشود و در سال ۱۳۵۴ رسماًوارد حوزه علمیه قم شد پس از تحصیل دروس مقدماتی از ادبیات و منطق، شرح لمعه را در محضر آیت الله باکوی، رسائل را خدمت آیت الله اعتمادی و مکاسب را از محضر مرحوم آیت الله الشیعزادی و مرحوم آیت الله متوجه فراگرفت.

هزاران شرح تحرید الاعتقاد را خدمت حکیم الهی حضرت آیت الله انصاری شیرازی و بنا بر تحریکه را در محضر آیت الله تجفی شهرضاً، شروع و ادامه آن را از محضر آیت الله مددوچی استفاده کرده است.

حضرت استاد خارج فقه و اصول ایشان مرحوم حضرت آیت الله العظمی حاج میرزا جواد تبریزی بود و مدفن نیز از دروس خارج اصول حضرت آیت الله العظمی سیحانی استفاده کرده است.

ایشان پس از بنایه الحکمه، شرح متفقونه علامه سیزوی اقدس سر، در منطق و فلسفه و پس از آن اسفرار را در محضر حکیم الهی حضرت آیت الله انصاری شیرازی گذرانده است. همچنین کتب متبر عرفان از جمله تمہید القواعد ابن ترکه، شرح فضوس الحکم و مباحث انس را در خدمت حضرت آیت الله حاج شیخ یحیی انصاری شیرازی خوانده است. وی، از محضر حکیم مثقاله حضرت آیت الله جوادی امین،

حضرت آیت الله حسن زاده، حضرت آیت الله مرحوم مشکینی و دیگر استادی نیز، استفاده کرده است و به تدریس این دروس پرداخته است.

حضرت استاد مهندسی در ایامه با تدریس خود فرموده بودند: هر



۹. انتسابی و سبر و سلوک معنوی:
 ۱۰. خبر و شرط:
 ۱۱. رهبری (ولایت فقیه)
 ۱۲. سعادت و شفاوت:
 ۱۳. قائد سوق المسلمين
 ۱۴. مدار
۷. استاد موسسه علمی، بروجشی امام حسین(ره):
 ۸. عضو هیئت علمی دکترالملکارف عرفانی موسسه بروجشی امام حسین(ره):
 ۹. عکارشناس شبکه سراسری رادیو مدارف، شبکه قرآن سینما و شبکه سوم سینما:
 ۱۰. استاد موسسه امام صانع(ع) قم:
 ۱۱. استاد اخلاقی مدارس حوزه علمیه قم:
 ۱۲. استاد راهنمای، متأور و داور سعی ارشد و دکتری دانشگاه:
 ۱۳. عضو گروه علمی عرفان مجتمع عالی حکمت اسلامی:
- آثار صوتی و تصویری**
 از آثار صوتی و تصویری منتشر شده از مرحوم استاد محمد مهدی میندنی، من بنده، من توان به موارد ذیل اشاره کرد:
 ۱. دوره آشنای با عرفان غیری:
 ۲. دوره آشنای عرفان عملی:
 ۳. اسرار الصلاة:
 ۴. تفسیر زیارت جامعه کبود:
 ۵. تفسیر دعای غدیر:
 ۶. مباحث خاتمه:
 سوانح این استاد بر جسته علوم عقلی در دوشنبه ۲۷ تیرماه ۱۳۹۰ به اثر عارضه قلبی دارفانی را وداع گفت و مطی تشییع جنازه با شکوه در حرم مطهر کربلاه اهل بیت(علیها السلام) کنار قبر شهید ایت الله مفتح(ره) به خاک سپرده شد روحش شاد و پادش گرامی باشد.
- آثار مکتوب**
 آثار اینسان پیشتر جنبه مقاله و جزو درسی به خود گرفته است که به:
 ۱. جندین نمونه اشاره می شود:
 ۲. استاد مطهری و بیوستگی دین و معنویت:
 ۳. جایگاه قم در تحولات معاصر:
 ۴. حوزه و گسترش علوم عقلی:
 ۵. ضرورت آشنای با فلسفه:
 ۶. عرفان و عارف نمایان:
 ۷. علامه طباطبائی و تحول علوم عقلی در حوزه:
 ۸. مسئولیت حوزه و روحانیت در قبال مسائل فرهنگی جامعه:
 ۹. تکریش عرفانی امام حسین(ره) به نهضت حسینی(ع):

بیانیه مجتمع عالی حکمت اسلامی بمناسبت ارتتاح استاد مهندسی(ره)

بسم الله الرحمن الرحيم
انا لله وانا اليه راجعون

خواصه نالم بار رحلت اندیشمده ربانی حضرت حجت الاسلام والمسلمین آقا حاج شیخ محمد مهدی مهندسی(ره) را به محضر حضرت بقیه الله(از روحانیان) و نایب الرئیس مقام معظم رهبری(امیر ائمه) مراجع معظم(است بزرگانه) حوزه های علمی و دانشگاه ها و عموم مردم قدرتمندان ایران اسلامی تسلیت عرض می کنیم.
 حوزه علمیه، عزیز فرزانه ای را از دست داش که به حق علم و عمل را فرین نموده بود. سال ها تلاش مجذبه در کسب معارف الهی از محضر اساتید ولا مقام و ریاضت علی در مسیر تعالی معنوی او را نموده ای از یک سرباز مخلص و فدائکار حضرات معمومان(اضمیه السلام) ساخته بود.
 علم اثنوی از محضر فرزانگانی جون مرحوم ایت الله مشکینی، مرحوم ایت الله میرزا جواد اقبالی تبریزی، حضرت ایت الله سجتانی(است بزرگانه) حضرت ایت الله جوادی املی(است بزرگانه) حضرت ایت الله حسن زاده املی(است بزرگانه) و بوبزاده انس و لاریت درین تسلیت به حضرت ایت الله القصاری شیرازی(است بزرگانه) نشان دهنده توفیقات علمی وی بود.
 سال ها تدریس مطبوع عالی فقه و اصول و دروس عالی فلسفه و عرفان در حوزه علمی و مراکز دانشگاهی و پژوهش شاگردان فراوان در کار تبلیغ شورانگیز و متهدله و پاسخگویی به شبهه های فکری و فرهنگی جوانان این موز و بوم، خاطره ای بار سفر کرده را پایدار ساخته است.
 مجتمع عالی حکمت اسلامی که تحت اشرف عالیه اساطین حکمت در حوزه علمیه قم حضرات ایات سبحانی، جوادی املی و مصباح بیوی(است بزرگانه) اداره می شود فقدان این عضو مؤثر هیئت مدیره را به تمام حکمت بروجشان نیز تسلیت می کوییم.
 رحمت و رضوان الهی بر او باد علش سینما و مات سینما
مجتمع عالی حکمت اسلامی



سید محمدحسین طباطبائی

نگاهی اجمالی به زندگی و آثار حضرت آیت الله علامه طباطبائی^{ره}

دکتر محمدعلی بن تکوری
پادشاه

برگرفته از کتاب:
برخی از فتوحات مدارس
الاسلام در جهان مذهبی

سید محمدحسین طباطبائی در سال ۱۲۸۱ هجری
(۲۹ ذی الحجه سال ۱۳۲۱ هجری قمری) در
تبریز دیده به جهان گشود در گوکی والدینش را
از دست داد فر نه سالگی به مکتب رفت، در مدت
هشت سال، ادبیات عرب، کلام، فقه و اصول را در زادگاه
خود خواند. پس از آن راهی نجف شرف شد و دوره های
عالی علوم مختلف اسلامی را از برجهانه ترین اساتید آن عصر
فرآورفت فقه و اصول را تا اجتیاد نزد آیت الله نائینی، آیت الله
سید ابوالحسن اصفهانی و آیت الله محمدحسین اصفهانی
اموزد. ریاضیات را از سید ابوالقاسم خواصیاری فراگرفت.
در قلمروهای فلسفه عصر خود سیدحسین پاکوبید
(۱۳۹۳ - ۱۳۵۸) که از شاگردان میرزا هاشم
تکوری، ابوالحسن جلوه و ملاطنی متون
زنوزن بود، پدره بود در عرفان و سلوك



لو تبسته؛ بلکه کمپویش تهدیت شده و به متین قوی تبدیل گردیده است، در این باره یکی از شاگردان علامه من تبسته: «حال هایی که زادگاهش بازگشت و حدود ده سال در آن دبار اقامت گزید و ضمن کار کشاورزی برای تأمین معاش، به تأمل و مراقبه و تأثیف آثاری چند پرداخته در ۱۷۷۵ در پسی نازاری ها و ناشی هایی که بر اثر جنگ

جهانی دوم در ازبایجان رخ داده بود، رهبری حوزه علمیه قم شد و مرحله ای تو و پیرمرکت، هرجند دشوار، از زندگی را با تدریس و تحقیق و تأثیف آغاز کرد و تا پایان عمرش ادامه یافت، علامه طباطبائی در هیجدهم محرم سال ۱۴۰۲ قمری برابر با ۱۳۶۰ شمسی در قم چشم از جهان خاکی فرو بست، در حالی که میراثی گرانقدر از خود بر جای گذاشت، لهم این میراث، عبارت است از: تأثیفات، خدمات و اصلاحات اندیشه ها و شاگردان





بیانیه مجتمع عالی حکمت اسلامی
بمناسبت بزرگداشت

حضرت آیت اللہ علام طباطبائی

(در پیش از افتتاح)

بست و چهارم آبان ماه پادلور عروج ملکوتی ابرمودی از مکتب اهل بیت عصمت و طیهارت (علیهم السلام) تبار یاک لولیه خدا و سلسله جلیله حکماء الهی است که حق حیات بر حوزه‌های علم و حکم دارد.

خورشید بر فروع سپهر حکمت و تجسم اخلاق و عرفان و مقتدر کیفر قرآن، علامه سید محمدحسین طباطبائی (قدس سرمه)، تحملین بنین پیوند ناکستی قرآن، برهان و عرفان در روزگار ما بود. پیره‌گیری آن منظر فرزانه از روش تفسیر قرآن به قرآن، نه تنها پرتوی از بی کرانیکی جوشن معارف قرآن را به ظهور رسانید بلکه میزان دقیق را برای تشخیص تفسیر و تأثیل کلام الهی از تحریف و تفسیر به رای آن عرضه نمود. پهده جستن از نظم فکری و برهان مداری و تحلیل دقیق فلسفی در چارچوب مبانی حکمت متالله، از او شخصیتی ساخت که گویند در پک پیک و قالب تشخیص از دقت و استحکام مبنی و عمق و لطافت صدایی را می‌یابی «هو البح من ایت جانب آئته» و چنین بود که «هدایت‌الحکمة» آن حکیم بی‌بدیل، برای رهیوان حقيقة، طریق مستقیمی شد برای رسالت به «هدایت حکمت» که سراججام آن ورود به طور هولایت* و هار یافتن به مراتب «توحید» و نفاست. استقامت در فکر و پارسایی در عمل و هوشیاری در رصد، از او شخصیتی ساخت که در روزگار غربت اهل حکمت و ایمان، یاتکیه بر ترتیل عناییه فلسنه اسلامی با نقد اندیشه‌های الحادی، حقایق تفکر الهی را بر ایوان توهمات ماذی به ایات برساند اری، پادلوری مجاهدت‌ها و مساعی چمیه و جلیله آن ولن خدا از پک سو برای ما علاقمدنان به حکمت اسلامی می‌تواند الهام بخش باشد و از مطرف دیگر ادب اذاء شکر و امتنان به محض خداوند سیحان است که به مانوفیق داد در عسر و زیین انقلاب شکوهمند اسلامی که محصول مجاهدات فقیه و حکیم بی‌بدیل حضرت امام خمینی (رضوان الله تعالیٰ علیه) است و پرچم پر اخخار آن امروز در دستان با کنایت خلف صالح و فرزانه وی حضرت آیت الله العظیم خامنه‌ای (مدحتله‌العالی) می‌باشد، پیوسته از موائد و رشحات فکری و معنوی آن عزیز سفر کرده بوده بوده و از انسان قدس‌البناء، معنوی آن قدس، بزرگانی که در مکتب آن علامه علی‌الاطلاق بپرورش باقتشاند گسب قیض ننماییم.

ثبت اسناد بر جریانه عالم دوام ما
در سنته‌های مرسدم داشا مزار ماست

هرگز نمیرد آن که دلش زنده شد به عشق
بعد از وقت تربیت ما در زمین مجسوی

مجتمع عالی حکمت اسلامی این مناسبت را گرامی داشته، به روای یاک آن عزیز درود می‌فرستد.
طلوسی له و حسن مأب فسلام علیه یوم ولد و یوم مات و یوم بیعت حبنا، والحمد لله رب العالمین

کزاره نصیلی

میزگرد علمی

قانون و نظریه‌های علوم طبیعی از زندگانی فلسفی

الشارع:

میزگرد علمی با موضوع «قانون و نظریه‌های علوم طبیعی از زندگانی فلسفی» در تاریخ ۱۳۹۰/۰۸/۰۵ از سوی مجمع عالی حکمت اسلامی در سالان اجتماعات مجمع عالی میرکزار گردید در این میزگرد علمی استادی مدحتر حضرت حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر ابوالفضل کیانی‌مشکی و آنای دکتر منصور نصیری به عنوان کارشناس حضور داشتند. ضمن اینکه جناب آقای ابوالحسن حسینی دبیری علمی این میزگرد را بر عهده داشتند.



آقای حسنی
دبیر علمی

آقای حسنی: بسم الله الرحمن الرحيم، والصلوة والسلام على سيدنا
محمد و آله الطاهرين... .

طیبیعت همواره موضوع مطالعه و اندیشه پرور بوده است. انسان در طیبیعت متولد می‌شود، در طیبیعت زندگی می‌کند، در طیبیعت می‌میرد. همه نیازهای فیزیولوژیک خودش را تو طیبیعت برآورده می‌کند و شد طبیعی او در طیبیعت استه علاوه بر این حتی خلوف و شد معنوی انسان هم در طیبیعت است، مشهودترین مرتبه هشت، طیبیعت است و انتظار که در عرفان نظری هم مطرح است، انسان در این مرتبه، آیات الهی را با روشنی تمام و با تفہیل تمام می‌بیند.

«طیبیعت» هم یکی از علوم کهن تری هست که در زندگی انسان کاربرد بسیار زیادی دارد، امروزه تربیا می‌شود که علوم طبیعی یا ایه اساسی تمام پژوهش‌های علوم و فنون مهندسی است، یعنی به

عنوان ابزار انگارانه نگاه کنند به نظریه‌ها و مبانی آنها و گروهی هم که دیدگاه‌های اینها معمولاً مشهور است به دیدگاه‌های حذف گرایانه، در باب «ماهیت قوانین طبیعی» که گروه دومنی که متناسب به والجیت می‌دانند اینها هم خب دسته‌های مختلفی هستند، اینها که مشیر به والجیت می‌دانند، این کلیت را مخصوصاً به صورت عدالت گزاره‌های شخصی بی‌شار حساب می‌کنند، یک دیدگاه نومینالیستی کامل، که معمولاً در تفسیر قوانین فیزیکی هم به دیدگاه انتظام گواش دارند دیدگاه دوم، موضوع فضایی موضوع قوانین علوم طبیعی را

آقای حسنه:
مشهور ترین مرتباً هست.
طبیعت است و آن طور
که در عرفان نظری هم
طرح است، انسان در
این مرتبه، آیات الهی را با
روشنی تمام می‌بیند.

کل حساب می‌کند اما خوب اینکه کلی حساب کند دو تاریخی بار هم

است که به همان که انسان، دلت و طبیعی دارند که منتأ هر کونه رفتار شن است و کلی را متنزع از این دلت حساب می‌کنند این دیدگاه هم مشهور به دیدگاه دلت گرایانه است.

روشنایی اخذ شده برای اعتبار سنجی علوم طبیعی هم، اینه روش‌های متوجه است ولی آن جیزی که پیشتر شهود پیدا کرده است، یکی روش استقرار است که پیشنهاد خلیل درازی دارد و دوم روش حدس و ابتکار، که ابتکار پایر شناخته می‌شود.

استقرار گرایانه جدید هم عمدتاً نومینالیست هستند، به همین دلیل، این را نمی‌کوییم که کلی گرایانه به استقرار تعابی ندارند، کلی گرایانه هم هستند ولی پیشتر دقایقاً و تلاش‌ها، تلاش برای دقایق، از طرف نومینالیست‌ها بوده است، به همین دلیل برخی از اشکالات وارد به نظریه‌های استراتشیکال به دیدگاه نومینالیست است، چون یکی از مباحث این جلسه هم این شاهد است که بررسی مسأله استقرار خواهد بود.

من یک نکته را هم دوباره با توجه به همان مسأله توافر به یک مسأله دیدگری در باب استقرار اشاره کنم که جزو برای ما توجه استقرار اهمیت دارد؟ ... توافر، دو تا یا تا دیگر دارد، یک پایه‌نشان کثیر متابده است، یک پایه‌نشان هم کثرت مخربین به حدی که علاقه‌مندان محال باشد، اتفاق بر دروغ کشید این کثیر متابده و علاقه‌مندان محال باشد البته استقرار است

علی‌الظاهر.

یعنی آن وقت من فقط می‌خواهم لمحات بحث را نشان بدهم، خلیل دنیال این نیستم که حتماً مباحث جلسه روی این نکته‌ها بروند، ولی من فقط می‌خواهم یک توجیه حاصل شود، روش دوم هم که در این جلسه فکر نمی‌کنم، که بررسی درباره‌اش بحث کنیم، همان روش خدم و ابطال پایبری است که پیشتر به نام ابطال گرایانه مشهور است، از ابطال گرایانه علوم طبیعی هم در قالب گزاره‌های فراکیو طراحی می‌شوند، که یک قیاس استنایی ماذربیم که یک فرضیه را مانند صورت یک حکم کلی از الله می‌دهیم، گزاره‌های متابده‌ی، احکام جزئی هستند که اگر این حکم کلی با یک حکم جزئی متابده‌ی، تعارض داشته باشد ما حکم فرضی کلی را ابطال می‌کنیم، این تغیر منطقی آن است آنچه «پایبر» می‌گویید ... این تغیر منطقی نیسته تصویبات زیادی هم دارد که من منظورم این تغیر منطقی نیست.

حدی که اگر کسی فیزیک بلد نباشد، به راحتی شود گفت که جزئی از مهندسی نمی‌داند علوم طبیعی امروز هم ثابت به طبیعت فدیده گسترش فوق‌العاده‌ای پیدا کرده است، به حدی که نه می‌توانیم بگوییم که موضوع علوم طبیعی جسم و احوال و عواراض آن است و نه انسان است تعریف جسم به همان آراء قدیمی به همان راحتی می‌توانیم باشد.

«طبیعت» را از دو جهت هم می‌شود مطالعه کرد اول: با لحاظ حیات در آن که موضوع علوم زیستی می‌شود، دوم: بدون لحاظ حیات در آن، نه الله به لحاظ عدم حیات نه بدون لحاظ حیات که موضوع ممکن فیزیکی خواهد شد.

در فلسفه علوم طبیعی، مسائل هست شناسه و حتی انسان شناسه هست که پیش این که انسان شناسه از جهت تسبیت انسان با طبیعت هم قابل طرح است، انسان شناسه از جهت تسبیت انسان با طبیعت یا حتی می‌باشد ممکن است مربوط به حوزه اخلاق هم مطرح باشد، مخصوصاً در حوزه علوم زیستی که نسبت اخلاقی با پژوهش‌های علوم زیستی بررسی می‌شود اما با توجه به اینکه گرایش فلسفه غرب به مباحث معرفت شناختی و روش شناختی خلیل پیشتر است، در فلسفه علم هم این توجه پیشتر بوده است، یعنی ما با عنده‌ای از فلسفه علم غرب آشنا هستیم، معمولاً مباحث افراد حس، معرفت شناختی و روش شناختی هستند به همین جهت در این جلسه هم پیشتر مباحث را مانند می‌بریم.

«ادریک حسی» یکی از موضوعات مهم این مباحث است، ماهیت ادریک حسی، موضوع ادریک حسی، اعتبار ادراکات حس، تصدیق حسی، خطا حسی، از مسائل بسیار مهم هستند، یکی از مباحث بسیار مذهبی که باز هم مطرح است، در همین بحث، حسن تقدیم نظریه بر متابده است.

فلسفه ما با توجه به اینکه محسوسات و مشاهدات را جزو بدیدهیات حساب می‌کنند، خوب طبیعی است که متواتر تقدم نظریه بر متابده را بینبریت، اگر چه مباحث مفصلی هم در این باره وجود ندارد، اما فلسفه علم غرب خلیل‌های اینها را بینبرهنه‌اند و به طور طبیعی این است که متابده تصویباتی هم در این مورد که خود متابده و گزاره‌های متابده‌ی را نظریه حساب می‌کند، من با توجه به اینکه این جمع طلبگی است یک لازمه‌اش را می‌خواهیم بگوییم «توافر» یکی از پایه‌های این است که موضوع توافر باید حسن باشد، اگر ما بگوییم گزاره‌های متابده‌ی از سخن نظریه هستند، بایه توافر می‌رود زیر سوال، اصل توافر امکان نایابی می‌شود.

نظریه‌های علوم طبیعی هم در قالب گزاره‌های فراکیو طراحی می‌شوند، کلیست، ضرورت و دوام در این گزاره‌ها مفروض می‌شود، حالاً بحقیقت که آیا این «کلیست و ضرورت و دوام» از سخن کلیست و ضرورت و دوام گزاره‌های فلسفی است یا نه، سخن این فرق دارد علاوه بر این آیا این نظریه‌ها مشیر به والجیت هستند یا اعتباری و فرازدادی هستند که آنها که معمولاً مشیر به والجیت نمی‌دانند، می‌مکن است رویکردهای جامعه شناسی علم را داشته باشند مثل «کمین» یا به



از تاباطا «کنم» می‌شود یک دفعه من بروم سرانجام بحث متنلاً فرض کنید، اینکه مشاهدات گرایانه از نظریه هستند، این بحثی است که در زمینه با (Context) مباحث امروزی فلسفه علم مطرح شده است و حالا اینکه فرمودند اتفاقی حسنه، یک اجتماعی هم روی آن هست، معلوم نیست اجماع پاشد، نسخه اینکه از متنظر فلسفه‌های مادر واقع مابختی مطرح شده است که بالاخره این و ویکرد محل جالش و نقد و تصحیح است، عرضه این است که اگر از میانه بحثه از انجامی که فلسفه‌های علم معاصر، نیمه دوم قرن پیشتر وارد بحث شده بشویه اشکال آن این است که یونون این مباحث را با آن سنت فلسفی خودمان بینانی کنند، این است که اگر از یک مقادیر عقیقه هم شروع کنیم، دوستان شاید پتوانند رگه‌های از تاباطا مباحثت را بیندازند، احتماً اگر بر اساس مبانی فلسفه اسلامی ما در این مسائل دیدگاهی داشته باشیم، راهکارهایی داشته باشیم، در طرح مآل، احتماً اگر اشکالی وجود داشته باشد از نظر فلسفه ما، من تواییم از آن جویت به موضوع از متنظر اسلامی هم نگاه کنیم، این است که فکر می‌کنم یک مقدمه‌ای را عرض کنم، بینید فلسفه در گذشته عمدتاً معطوف شده بود به [گذشته خلیل دوره] همانی را که ما در فلسفه اسلامی به عنوان فلسفه می‌شناسیم، حول مباحثت واقعیت وجود می‌گوییم وجود شناسی، ما بعد العلیمه که موضوع آن وجود است، احکام عمومی واقعیت به عنوان واقعیت این در واقع جیزی است که فعلاً جا افتاده است یک کم، عقبت برگردیدم، در الیات شناختی بوعلی سینا وقتی ما بعد العلیمه را من خواهد تعریف کند و موضوع آن را مشخص کند به تبع ارسسطو، سه موضوع را ذکر می‌کند، چون ارسسطو در متافیزیک در واقع اشاره کرده که متافیزیک یا فلسفه با سوپرا، سه تا موضوع دارد که اتفاقاً شارحان غریب ارسسطو این را حمل بر تشویش قلم و تشویش نظر کرده‌اند، گفته‌اند ارسسطو خودش هم برایش روش نبوده که موضوع متافیزیک چیست؟ در حالی که بوعلی نلاش می‌کند این سه تا موضوع را به یک موضوع برگرداند و عملاً تصحیح می‌کند این نقد بر ارسسطو را ... آنچه بحث وجود را که بوعلی می‌گویند، دو تا چیز دیگر را هم به تبع ارسسطو می‌گوید، یکی مبانی علوم خاص است، در واقع این را بوعلی جزو مباحثت فلسفه و متافیزیک معرفی می‌کند، دلیل آن هم این است که می‌گوید علوم موضوعاتی را انتخاب می‌کند و راجع به آن موضوعات بحث می‌کند در حالی که راجع به لوازم ماهیت موضوع آنها بحث می‌کند، راجع به وجود موضوع آنها بحث شنی کند، راجع به بنان‌های آن، ماهیت وجود هم بحث نمی‌کنند، مثلاً در هنده‌یه را رایج است، عموماً راجع به گفتیت بحث می‌کند و نسبت بین کهیات حلاً یا که متعلق با منفصل، ولی اینکه کم متعلق ماهیتش چیست؟ خیقت آن چیست؟ کم متعلق حقیقتش چیست؟ یا اساساً مفهوم کم، ماهیت کم، بر اساس چه اصول و بنان‌های فلسفی سوار است این را دیگر ریاضیدان به آن نمی‌پردازند در حالی که اینها بنان‌های علم هستند و باید به آن پرداخته شود.

به مطلع بوعلی علمی که باید عده‌دار این مبانی باشند، متافیزیک با فلسفه است بنابراین بختی از مباحثت فلسفه در کتاب وجود شناسی و احکام عمومی وجود باید معطوف بشود به مبانی علوم، لذا در الیات شناختی میانه بحث وارد مباحثت می‌شود، خلیل بیوند بین این مباحثت و پیشینه مباحثت فلسفی خودمان را متوجه نمی‌شود و اسلام را گمه‌های

با پر تقریباً تمام نظریه‌های روی تصمیم و فرآذال استوار است، حدس و ابطال، با یک تصمیم و فرآذال معیار علم از غیر علم شمرده شده است، نظریه با یک حدس بدیرفته می‌شود، با تصمیم در معرض ابطال فرآذاله می‌شود، نظریه فی حد ذات، نظریه‌ای تداریم که ابطال بدیر باشد و نظریه باشد که ابطال تاریخی باشد، تصمیم می‌گیریم ابطال بدیر فرض کنیم آن را با ابطال بدیر فرض نکنیم، این ها تصریحات خود پایه است، گزاره‌ای پایه‌ای که «ابطال کر» آن باشد با یک تصمیم انتخاب می‌شود که چون گزاره مشاهدتی هم از دیدگاه پایه، نظریه است، بعد تصریح می‌کند که ما تصمیم می‌گیریم که این را گزاره پایه در نظر بگیریم، بعد در نهایت اینکه این گزاره نظریه را «ابطال» می‌گند با نی کند، این هم می‌ستی بر تصمیم است، ما تصمیم می‌گیریم که این گزاره آن نظریه را «ابطال» کند یا «ابطال» نکند حالاً من دنبال نند این نیسته ولی این ماحصل نظریه پایه است، یکی از مباحثت می‌می‌شود که ما در باب قانون و نظریه‌های علوم طبیعی داریم، مسئلله هماهنگ معرفت علمی است که در ذیل آن بحث تبیین علمی و چیزی آن هم مطرح می‌شود که «معرفت علمی» چیست؟ و چگونه ما می‌توانیم و تبیین علمی چیست که در داخل علوم انجام می‌شود.

از اسناد محترم تقاضا دارم اگر در این باره نظری دارند بفرمایند، اتفاقی کیانی‌شکن شما شروع بفرمایند



اقای کیانی‌شکن؛ بسم الله الرحمن الرحيم وبه نسبتین آن خیر ناصر و مبنی فرمایشات اتفاقی حسنه، مقدمه خوبی برای ورود به مباحثت بود، در عین حال فکر می‌کنم این مقدمه ایشان، احتیاج به یک مقدمه داشت، چون خالب دوستانی که در جلسه حضور دارند با اساساً در حوزه تحصیل می‌کنند، شاید با مباحثت فلسفه علم آشنا نباشند، یک معرفی اجمالی راجع به مباحثت فلسفه علم و معرفت شناسی علمی کمک می‌کند که بعد بحثها جایگاه خودش را در پست این مباحثت بینا کند اگر اجازه بدهند عزیزان من این مقدمه را پیکویم، ضمن اینکه وقتی شما از میانه بحث وارد مباحثت می‌شودید، خلیل بیوند بین این مباحثت و پیشینه مباحثت فلسفی خودمان را متوجه نمی‌شود و اسلام را گمه‌های

همه جیز را تأثیر می برد و زبان و در حالی که این سوال واقعاً مطرح است که زبان خودش یک حقیقت خود بینان است یا بینان دیگری دارد؟ بعد اینکه این فلسفه عملاً آنچه مطلع است یعنی یک فرضی را گرفته به عنوان بینان، بعد یک نظام فلسفی ساخته شد که فلسفه تحلیلی، بعد شعاعی بینندگان که واقع آن به دقت که تکاه کنید فلسفه نیست به این معنا که خود زبان می تواند مورد سوال قرار بگیرد بینان آن چیست؟

فلسفهای مالین کارا کردن فلسفهای ما بینان زبان را در ذهن خودجو کردن ذهن را بینانش را در القیت چستجو کردن والقیت را بینانش را در وجود چستجو کردن و عملاً واقعاً فلسفه را به عنوان یک فلسفه به آن پرداختند ولی در غرب می بینندگان این نظریه علی ای دل من خواست عرض کنم آنچه بیشتر جدیت مورد نظرم بود این که بیشتر مورد توجه قرار می گیرد به گونه ای که فضای فلسفه را اسلام این بحثها بر می کند، جیزی که از آن تعبیر می کنند، به فلسفه های مضاف، شما می بینید بعد از کاست، شما در ۲۰۰ سال گذشته، فلسفه متعلق به آن شکل ندارید یعنی دو تاسیست را بگذارید کنار مثل هکل و آینه ها... و عملاً جیزی به نام فلسفه عمومی با متعلق با وجود شناس به آن شکل ندارید، اما فلسفه های مضاف می بینید به وفور وجود دارند، فلسفه علم یا علوم طبیعی یعنی از این شاخه های فلسفی است، تأملات فلسفی در باب مبانی علوم طبیعی که عرض کرده به این شکل ما در گذشته داشتیم، یعنی فلسفهای ما هم سی می گردند مبانی این علوم را مورد بحث قرار بدهند، بنابراین خود فلسفه علم وارد مباحث من شود که به گونه ای ما در آنها پیشنهاد داریم.

پنایران فکر می کنم حالت یا گوییم وحدت روش مد نظرشان بوده، یعنی همه این حوزه ها را به لحاظ روش مشترک می نهادند و روش برهانی را عمومی تلقی می گردند، لذا روش های خاص و اختصاصی شدن روش اشنازی با قبول ندانند چنین چیزی را اینکه گوییم اگر بحث برهان، بحث متعلق است آنها اصلاً به جیزی به نام روش به منای امروزی «توجه» نگردد بودند آنها تصورشان این بود که متعلق و قیاس برهانی که در متعلق مطروح می شود همین براوی حل شناسی که خود بینان است بعنی او دیگر، بینان دیگری ندارد اینکه شما می بینید «خلاصه» مباحث را عملاً به اسالت وجود می بساند و از اسالت وجود شروع می کند، به دلیل اینکه رسالت فلسفه این است، باید جای فلسفه را بنا کنید که آنچه خود استوار باشد وقتی شناسالت واقع روش بود جون قرار بود روش برهانی در همه اینها مورد استفاده قرار بگیرد نهایتاً شاید مواد اندیشه، یک متناری در

دکتر کیاشمشکی: وجود را می گویند دیگر این وجود و اسالت وجود

این حوزه ها متفاوت می شوند، آن هم به تبع تقاضات موضوعی، بیشتر تقاضات تمايز موضوعی بود در صورتی که در دوره جدید وقفن که رفته مطالعه علوم و بحث مبانی علوم، همانطور که فرمودند به دلائل بیشتر به روش توجه شد تا به موضوع، بینا هم عملاً همین فضای دنیا شد، یعنی از خود کانت شما شروع کید یعنی معرفت شناسی علم می شود، بحث های پایه هم بعده هم این معرفت شناسی، خصوصاً در اولخر قرن نوزدهم و اوائل قرن بیستم، خود بحث های معرفت شناسی بیشتر منتقل

آن چیزی که در دوره جدید به نظر من حالت اکثر فرست شد و جا داشت

به عنوان روش علمی نمی داشتم خلی از فلسفه های دوره جدید و ۲۰۰

مطرح می شود، معرفت تا ۲۰۰ سال گذشته مشکاشان این است که

و اقای فلسفه نیست، به دلیل اینکه این رسالت

فلسفه و ما بعدالطبیعت را تغییب نمی کنند باید

بروند دنیا بینان بینان ها

شما بحث زبان و اصطلاح می کنید در فلسفه های تحلیلی، بعد زبان خودش نمی شود بینان، بعد



ست ما به این شکل به این بحثها نبرداخته‌اند، این بحثها، بحث‌های است که حالا مقعده را عرض کردم تا وارد آن بحث‌هایی شویم که قرار است مطرح شود مثلاً «اهدافیت معرفت علمی» مثل تبیین علمی مثلاً استفراه اینها که حالا مقعده این بود، من خواهید وارد بحث بشویم یا جناب آقای دکتر نصیری فرمایشان را بگویند بعد وارد بحث بشویم.

اقای حسنی: جناب آقای دکتر نصیری شما بفرمایید.

من شود به بحث‌های مختلف و روش شناسی و در قرن بیستم عملآشامی پیشید وقتی راجع به علم بحث می‌کند تا گیرد روی روش شناسی است که اینه نظریه‌ها و دیدگاه‌های اخیر فلسفه علم به گونه‌ای همین سنت را هم زیر سوال می‌برد چون اگر کوهن و فایراند اینها را در نظر بگیرند اینها دیگر به گونه‌ای اساساً روش را به عنوان یک حقیقت نمی‌شناسند، کتاب اصلی فایراند هست (Against method) (بر علیه روش، یعنی معتقد است اساساً آنچه را که بوزیست‌های بست پوزیست‌های، یعنی به عنوان روش، معتقد بودند چنین جیزی وجود ندارد، فایراند معتقد است هر جیزی ممکن است یعنی آن جیزی را که امروز روش می‌خواهیم، ممکن است فردا جیز دیگری جایگزین آن بشود شما امروز به این شیوه از گسب اطلاعات من گویید، علم، فیزیک و به نظر لو فردا ممکن است یک شیوه دیگری نوعی «بداع» کند که اساساً این شیوه همخوانی نداشت باشد، ما امس ان را می‌گذاریم.

و این در نهایت مستگذشتی مباحث فلسفه علم رفت روی مطالعه علم به لحاظاً ویژگی‌های معرفت شناختی و روش شناسی که باز بین این دو تا فرق است یعنی بحث‌های ایستمولوزی علم با بحث‌های متولوزی علم متناظر است بحث‌های معرفت شناسی به گونه‌ای خاص کردن همان بحث‌های معرفت شناسی علم استه مستحضر هستید و ایستمولوزی راجع به معرفت بحث می‌کند از آن جهت که معرفت است، تعریف معرفت چیست؟ اجزاء معرفت چیست؟ شرایط لازم و کافی چیست؟ مبانی آن چیست؟ حدود آن چیست؟ راجع به اینها بحث می‌کند، مثلاً نظریه‌های صدق و توجیه بحث می‌کند عموماً یعنی کاز ندارد که معرفت شناسی به چه حوزه‌هایی تعلق دارد؟ آن بحث که در ایستمولوزی شما من گردید معرفت را به طور کلی مورد بحث قرار می‌دهد ولی معرفت شناسی خاص دارید که یک حوزه خاص از اطلاعات و معارف را مورد تدقیق قرار می‌دهد مثلاً معرفت علمی که فلسفه علم به این قسم از معرفت می‌بردارد، بتایران با خطا آن بحث‌های عمومی معرفت شناسی، روی خصوصیات کاز می‌کند، این معرفت شناسی که معرفت علمی اساساً چیست؟

شما به چه جیزی من گویید شناخت علمی؟ علم فیزیک در واقع چه نوع شناخت است؟ راجع به این بحث می‌کند که بحث نظریه‌ها و فوایس اینجا خلی اهمیت پیدا می‌کند، و بحث دیگر روش شناسی است، اینکه داشتمدان وقتی با یک مستانه در حوزه علوم طبیعی رو به رو می‌شوند، با چه روشی مسأله را حل می‌کند، یعنی حل مسأله با چه مندی صورت می‌گیرد، به تعبیر دیگر از چه میان اطلاعاتی با مقدمات استفاده می‌کند و با چه ساختار و فرم ای (Formal)، آن مقدمات را می‌جستند و به نتیجه می‌رسند که آن وقت اینجا شما می‌بینید بحث‌های استفرا، استفراکاری بحث‌های در واقع نکردن های قیاسی اینها به میدان می‌بینید اینها دیگر بحث‌های معرفت شناسی معمولی نیستند، اینها بحث‌های روش شناسی هستند اینکه روش حل مسأله در علوم روش استقرانی است یا روش غیر استقرانی است؟ حالا خود استقرانی مکانیزم چیست؟ اینی است؟ تاییدی است؟ قیاس است؟ قیاس آن چه نوع قیاس است؟ قیاس برهائی است؟ قیاس فرقی ایصال پذیر است؟ خطایزدیر است؟ اینها دیگر بحث‌هایی است که عملاً می‌شود گفت تا حدود زیادی جزو شده، خاص شده و در



دکتر نصیری: بسم الله الرحمن الرحيم من فکر من کنم که وارد مباحث اصلی بشویم بهتر است از این که مقدمات را حلول و تفصیل پذیریم، چون همه گزاره‌هایی که الان من اینجا من شویم، یعنی احکام و ساختاری که آقای دکتر کیاشتگی و حضور آقای حسنی فرمودند، همه این‌ها را من شود بحث کرد، این مقدمه من مطلب، پیش مقدمه من مطلب، بحث زیاد است، ساختاری را درباره فلسفه ما و رابطه آن با فلسفه علم گفته شد همه آنها قابل بحث است، من به نظرم نیز از اینها بحث است برای اینکه مدعوین و دوستان برای بحث‌های اصلی امدادهای لازم بحث‌های اصلی را شروع کنیم بهتر است.

دکتر کیاشتگی: بحث ماهیت معرفت علمی را می‌خواهد

دکتر نصیری: شما شروع کنید که ما هم استفاده می‌کنیم

دکتر کیاشتگی: بینید در دوره جدید در بحث ماهیت معرفت علمی، بحث مشاهده همانطور که فرمودند از راک حسی یا مشاهده نقش محوری را در علم شناسی پیدا می‌کند، گهیکانی من می‌پنم در بعضی جاها گفته من شود فلسفه‌ای ما حسی به مشاهده توجه کردن، مثلاً بوعی سینا، خصوصاً حالاً بعد شیخ اشراق و ملاصدرا بستر حوزه مطالعه‌شناس متأثربزیک بوده، کمتر به علوم طبیعی توجه داشتند ولی بوعی نه، نه نظام فلسفی ایشان یک نظام جامی است به طبیعت هم توجه دارند، بعض‌ها هم من گویند بوعی هم به مشاهده خیلی توجه داشته است، اینکه ما بگوییم روش علمی دوره جدید کاملاً امروز را متمایز می‌کند از آن علمی که در گذشته بوده علم ارسنوفی و به گونه‌ای شاید آن اساساً علم نیست، بیشتر فلسفه علوم طبیعی است تا علم طبیعی، باید یک مقدار راجع به این مشاهده و نقش مشاهده بیشتر تأمل شود، بینید آن جیزی که در قدره جدید به عنوان روش علمی



کرده است و من معتقدم حالا استخراج‌های جدید نظراتی دارند و این فلسفه‌ای مثل بوعلی اینها هم دیدگاه‌های خاص را دارند، در بحث مکاتبیسم انتقال از مشاهدات و داده‌های جزئی به مقاهم توریک یا روایتاً کلی، که ما می‌گوییم (متفق)، جطور ما از محسوس به متفق متناسب من توجه؟

این جزیی است که در این قسمت زیاد روی آن بحث می‌شود حالا در این قسمت عرض کردم در سنت ما، کما این مطالعی دیده من شود فاز بعدی این است که بعد از تظریه‌ها شکل گرفته با فرضیه‌ها مطرح شدند، آن وقت مشاهدات چه نقشی را بازی می‌کنند، که بحث‌های تأییدگرایی و ابطال گرایی اینها بیشتر در این قسمت مطرح می‌شود با تنظریه‌های کارکرده‌ای که اساساً معتقد هستند، مشاهدات کاربردی بسیار پانیزه‌دان غلطیات ما را تبیت می‌کنند، نه حدس آنها را، حالا آن بحث‌های ایزار اسکاری که فرمودند بینید مشاهده در معرفت علمی نقش کلیدی پیش از کند یک، دوم نقش آن نقش روشمند است سوم مکاتبیسم نقش مشاهده در شکل گیری و پیاده‌شدن فرضیه‌ها، تنظریه‌ها هم مقاهم عالم هم نسبت‌ها و روایت عالم و بعد از آن نقش مشاهدات در لزیابی اینسته فرضیه‌ها و تنظریه‌ها که معمولاً از این دو فاز تعبیر می‌کنند به زمینه کشف و زمینه داوری (Context of discovery) و (context of Justification) کشیده اند، اگر من می‌گویم متلا جسم وجودت انسانی دارد و متلا جزء ندارد، مشتمل از ذرات نیست و یا تنظریه اینی را درد می‌کنیم و بر اساس آن شروع می‌کنم، نسبت‌ها را روایطاً اجسام را بیان می‌کنم و یادگار این التراجم را ندارد، این فلسفه که برگردد نتایج را مدام با آن مشاهدات چک کند آنچه که در دوره از مشاهدات برآمده‌اند ناظر به مشاهدات است و بد آن روایتاً کلی در مقابل مشاهدات هم عملاً باید داوری شوند، یعنی اینکه از مایه مطروح می‌شود، پیش‌بینی مطروح می‌شود و لذا اموروز برای معرفت علمی معمولاً سه کارکرد فائل هستند، «معرفت علمی» باید سه تا کار را انجام بدهد، یعنی گزاره با تئوری یا پاک نظام علمی باید بتواند این نقادی می‌شود، یعنی که استقرار گرایانها عملی در این سنت بیشتر کار

مطرح می‌شود معرفت علمی و تأکید آن روی مشاهده است، به گونه‌ای که به کارگیری روشمند مشاهده مقصود است در معرفت علمی یعنی آنچه که متعابز می‌کند «معرفت علمی» را از غیر معرفت علمی نقشی است که مشاهده در معرفت علمی دارد یکه دوم نقش روشمند مشاهده در معرفت علمی است، نه اینکه فقط از مشاهده استفاده کند، بالآخره جانب بوعلی هم وقتی در طب می‌خواست اندیه‌هار نظر کند از مشاهده استفاده می‌کرد از تکرار مشاهدات استفاده می‌کرد، یا حتی در مورد جسم وقتی که می‌خواست بحث کند، ارجاعی های اینها هم مشاهده می‌گردند، ولی اینکه مشاهده در نظام معرفت آنها چه جایگاهی داشته باشد یا دقیقاً چه نقشی داشته باشد؟ این خیلی نقشی نمی‌شود، بینید مثل بوعلی سینا وقتی مثلاً می‌خواست راجع به جسم بحث کند از مشاهده شروع می‌کرد، اجسام را مشاهده می‌کرد و در حدی که بتواند از این مشاهدات به یک مفهوم برسد به یک تعریف برسد و بعد آن تعریف را Bacc و (ایله) مطالعاتی قرار می‌داند.

تمام احکامی را که راجع به جسم در مطالعات طبیعی مطرح می‌کرد بر می‌گشت به آن مفهوم و خوب دقت کنید، دیگر مشاهده در آن استنتاج‌ها خیلی نقش جدی و حائزی نداشت، یعنی بوعلی سینا دیگر خودش را ملزم نمی‌داند اگر از این مفهوم لوزیم را استخراج کرده آن لوزیم را دوباره از طریق مشاهده Test کند، اگر من می‌گویم متلا جسم وجودت انسانی دارد و متلا جزء ندارد، مشتمل از ذرات نیست و یا تنظریه اینی را درد می‌کنیم و بر اساس آن شروع می‌کنم، نسبت‌ها را روایطاً اجسام را بیان می‌کنم و یادگار این التراجم را ندارد، این فلسفه که چگونه ماز مشاهدات می‌توانیم بر سیمه یعنی موارد جزئی، به چه شکلی و با چه مکاتبی می‌ارائه روایت کلی یا مقاهم کلی می‌رسانند؟ یک مقدار اینجا نقادی می‌شود، مکاتبیسم توضیح داده من شود، و اینجا نقادی می‌شود، یعنی که استقرار گرایانها عملی در این سنت بیشتر کار



واقع «کشت و داوری» «معرفت علمی» بازی می‌کند این نکاتی بود که در معرفت علمی، حالا نکاتی اگر باشد در خدمت دوستان عرض می‌کنند، پفرمایند. شاید علامه طباطبائی (اره) دکتر نصیری: «سم الله الرحمن الرحيم. من در این‌تاریخ عرائض خوبی تکریم کنم از مجمع عالی حکمت، حقیقت این است که در این چند روزه که با هم در تعاس بودیم یکی از نکاتی که بند در کار این دوستان می‌بردم (با اینکه واقعاً کار تشکیلاتی عظیمی نداشتند)، آن «تعلیمات و دفتنهای» در فرارها و تهدیداتی که بود واقعاً تکریم می‌کنند، خود بیک هسته‌ای که با هم در تعاس بودیم کاملاً شرمنده نظمشان شدم، پس از عالی بود و تکریم می‌کنم از این که این مخالفان را مقدمه‌ای فرار می‌دهند برای اینکه علم ما پیشتر پشود و با دوستان ما می‌دهند، امروزه اگر شما واقعی آینده را می‌توانید پیش‌بینی کنید، با مطلب به روز فلسفی آشنا شوند، از سالانه از اساتید استفاده پذیریم درباره بحث اصلی مان اولین بحثی که مطرح فرمودند «همایهت معرفت علیعی» بود در این باره بحث خیلی زیاد است، من از بیانات جناب آقای دکتر کیانی‌مشکی استفاده کردم، پسندید بحث‌های ما در این باره به مسائل و موضوعات کوئن‌اکوتی و پیش‌است: نظری این که متلاً ما رویکرده‌مان در فلسفه علم چیست؟ آیا واقع‌گرا هستیم یا اینکه کوئن‌اکوتی و پیش‌بینی‌ها را در اینجا را به ما می‌دهد که ما وضعیت بعدی آنها را بتوانیم از هم اکنون پیش‌بینیم؟ چون سازوکار دستمن آمده است، بنابراین یکی از پیامدهای «معرفت علمی» پیش‌بینی است در حالی که شما من دانید که معرفت منطقی چنین کاری نمی‌کند، شما در منطق اصل تلاقی‌ستان، با قواعد دیگر تان برای شما امکان پیش‌بینی ایجاد نمی‌کند به تعبیر «وینکستین» می‌گویند منطق هیچ جزیزی در مورد واقعیت نمی‌گویند و اساساً بوزیری‌ویست‌ها در واقع شاید فلسفه‌های قرن پیش‌بینی عموماً ریاضیات و منطق را اسلام‌دانش‌های ناظم به واقع نمی‌دانند تا پیش‌بینی کنند، پیش‌بینی‌های فرمال (Formal) می‌دانند که احلاً و بطيء به واقعیت تدارند، لذا اينها پیش‌بینی نمی‌کنند، حتی «معرفت فلسفی» هم قدرت پیش‌بینی جزئی را ندارد شما نمی‌توانید بر اساس آنچه در پذایه، پذایه آمده است و تو درست به رخدادهای خاص جهان طبیعت را پیش‌بینی کنید، این متعابز می‌کند معرفت علمی را از معرفت غیر علمی و سوتین نقش که «معرفت علمی» بازی می‌کند و معرفت غیر علمی بازی نمی‌کند کنترل (Control) است.

وقتی شما بتواترید یک پیدا شده را تبین کنید، پیامدش این است بتواترید پیش‌بینی کنید، یعنی در شرایط مشابه می‌گویند این پیدا شده تکرار می‌شود، پیش‌بینی اش می‌کنید، و در وضعیت سوم کنترل می‌کنید، یعنی شما دستکاهی می‌سازید که شرایط را پیدا بیاورد که با آن پیدا شده، اینکه شما در علم جدید می‌بینید تکنولوژی تجیه‌اش است، تفاویری پیامدش است، این است که وقتی شما متلاً قواین جرج دندده را پیدا گرفتید، یا در مورد آن قانون نظریه لوله کوکید می‌توانید رفشار جرخ دنده را توضیح دهید، هم می‌توانید بگویند اگر این جرج دنده اینکوه کار بکند، چنین تتجهی حاصل می‌شود، هم می‌توانید با تصریف در ویژگی‌های جرخ دنده، سیستم مکانیکی خود، آن تتجهی را پیکرید که دلخواه‌تان است اولاً این سه تا کار کرده را در «معرفت علمی» و همه آن به لحاظاً فلسفی عرض کردم بروی این پذیره شاهده و نقش که مشاهده در شکل‌گیری «معرفت علمی» و آن دونتش در

دکتر کیانی‌مشکی:

شاید علامه طباطبائی (اره) وارد فلسفه فلزیک نشده، ولی بنیان‌های لازم برای ورود به فلسفه فلزیک را درست کرد.

نمی‌اید یکی از این در واقع ویژگی‌ها این است که بتواند پدیده‌های را که ما مورد مشاهده فرار می‌دهیم، تبیین کند که حال (Explanation) با تبیین خودش یکی از موضوعات فلسفه علم است که خود تبیین چیست؟ یا چه مکانیزمی پذیرد می‌اید که حال اتفاقی دکتر نصیری ترشان هم در ارتباط با تبیین بوده، در این زمینه بیشتر از ایشان استفاده می‌کنیم.

اینکه تبیین علمی چیست؟ فرق آن با تبیین مثلاً فلسفی چیست؟ یک کار «بینیم» است، نقش بعدی آن «بیش‌بینی» است، فرق معرفت علمی با معرفت غیر علمی مثل معرفت ماتفایزیکی یا متفقی یا ریاضیاتی

این است که معرفت علمی امکان پیش‌بینی رخدادهای بعدی را به ما می‌دهد، امروزه اگر شما واقعی آینده را می‌توانید پیش‌بینی کنید، توانید مثل پیش‌بینی وضع هوا یا رخدادهای نجومی، کیهانی شما این ویژگی معرفت علمی است، «معرفت علمی» چون سازوکار رفتار طبیعت را در اختیار ما می‌گذارد و «هر قابل نظریه و فرضیه» این اجازه را به ما می‌دهد که ما وضعیت بعدی آنها را بتوانیم از هم اکنون پیش‌بینیم، چون سازوکار دستمن آمده است، بنابراین یکی از پیامدهای «معرفت علمی» این اجازه را به ما می‌دهد که ما وضعیت بعدی آنها را بتوانیم واقعیت تجربه‌گرایی سازاند؛ فعلاً برای مقدمه من اشاره می‌کنم به مثلاً ما رویکرده‌مان در فلسفه علم چیست؟ آیا واقع‌گرا هستیم یا اینکه کوئن‌اکوتی با این نکته که برای اینکه بتواتریم «معرفت علمی» را بشناسیم بهتر است نخست مبالغ معرفت را بحث کنیم و اگاه با توضیحی که عرض می‌کنم به پاسخ سوال مزبور برسیم همچنان که برخی (نظری اسناد ملکان) بیان کردند مطالعه معرفت را معمولاً دوسته است؛ اول مبالغ معرفت است، دوم مبالغ غیرعلیعی معرفت است از سوی دیگر، مبالغ علیعی دوسته را چهار دسته می‌دانند: ۱) حس و مشاهده؛ ۲) شهود و دریافت درونی؛ ۳) تقل و ۴) تقل و استدلال.

حس و مشاهده ما را می‌سانند به علم تجربی، علوم تجربی در نظر فلسفه‌دان علم معاصر، معمولاً شامل دو دسته علم است؛ اول علوم طبیعی است، (مثل فیزیک و شیمی زیست‌شناسی) و دوم علوم انسانی است، (روان‌شناسی، جامعه‌شناسی و اقتصاد). توجه گنید که در تقویم‌بندی‌های نوین و معاصر، علوم انسانی را جزو علوم تجربی نلقنی می‌کنند لذا انت‌جویانی از ایران از دوستان ما رفته که اند و متغیر از این بود و دانش‌دانشی در این‌تاریخ امر پذیرفته نشده‌است، علت این بود که آنچه که اینها در روان‌شناسی خوانده بودند، به صورت علوم انسانی خودمان، غیر تجربی خوانده بودند و آنچه ملزم شدند که واحدیان را جدا به صورت تجربی پذیراند تا قبول شوند، من غریب فقط این تلقی است از راه دوم که شهود درونی است، عرفان به وجود می‌اید از راه سوم که تقل است در واقع علوم مثل تاریخ و حقیقت و نحو، یعنی نحو زبان، (هر زبان که باشد)، به وجود می‌اید راه چهارم تقل و استدلال است که از آن فلسفه و ریاضیات به وجود می‌اید بعد از این تقویم‌بندی می‌گویند راه غیر علیعی هم داریم، معمولاً مقصود اینها از راه غیر علیعی معرفت، همان وحی و الهام است، کار پیامران را راه غیر علیعی حساب می‌کند بس از این توضیح در غیر حاضر با به کار بردن استدلال «معرفت علمی» دو معنا برای آن



ممکن است وجود داشته باشد: ۱- «معرفت علمی» به معنای عام: ۲- معرفت علمی به معنای خاص، معرفت علمی به معنای عام شامل جذار دسته منشود که عرض کردم یعنی همه علوم که از این راهها به دست بیابند و به ما معرفت پدهند، معرفت علمی حساب منشوند، لذا امروزه تاریخ را علم حساب می‌کنند، خارج از علم حساب نمی‌کنند، علوم انسانی را علم حساب می‌کنند، خارج از علم حساب نمی‌کنند و همه معرفت‌هایی را که اینها بدست رامی گویند «معرفت علمی» است. اما معرفت علمی به معنای خاص، فقط شامل علوم تجربی می‌شود، فقط علوم تجربی آن هم در بیشتر موارد معنای اخشن آن مورد لحاظ قرار می‌گیرد. گاهی اوقات علوم طبیعی که بحث ما آن در علوم طبیعی است در واقع معرفت علمی به معنای خاصش بالاخص است که علوم طبیعی باشد و راه رسیدن به نتیجه در این علوم فقط حسن و تجربه است، در اینجا به نقش مقدمی که برای مشاهده و حسن و تجربه قائل می‌شوند توجه کنید. همانطور که آقای دکتر گیانشکی فرمودند به هر حال حسن و مشاهده در اینجا عنصر محوری است. این معرفت برخلاف معرفت دینی است که معمولاً می‌گویند این راه غیرعادی است و همچنان که می‌دانید بر اساس برخی رویکردها معرفت دینی معرفت علمی نیست و برخلاف برخی رویکردهای الفاظی نظریه رویکرد بوزیتوپستی آشونی فلوسا گزاره‌های دینی می‌معنا نشی می‌شوند در اینجا نمی‌توانیم به بورسی این دیدگاهها بپردازیم و فقط اشاره کنیم که مکتب بوزیتوپست امروزه به تصریح همه از جمله گسانی نظریه این (که اخرين نظریه‌های بوزیتوپست‌ها بود) و نیز کارل باپر (که مبنایکار مکتب ابطال گرامی در فلسفه علم است)، تقریباً مکتب مردهای است و دیگر طوفدار ندارد و ای با این حال، روح بوزیتوپست همراه حاکم است در محاذل علمی، آن در محاذل علمی روح «بوزیتوپست» کماکان حاکم است. غرض اشاره به تأثیر زیادی است که مکتب «بوزیتوپست» در محاذل علمی گذاشت. به هر روی بوزیتوپست، معمولاً معرفت دینی را معرفتی را که از این راه بدست آمده است، اصلاً معرفت حساب نمی‌کردد، معرفت حساب نمی‌کردد و علوم به دست آمده از این راه را «علوم حساب» نمی‌کردد، اساساً گزاره‌های بدست داشتمد کاری که می‌کند این است که با این گزاره‌ها و نظریه‌های علمی پرستش‌های چولار را پاسخ من دهد کار داشتمد تبیین گردن پدیده‌ها و پاسخ به سوالات چولار ماست، لو با نظریه خود این سوالات ما را پاسخ من دهد و چرا و قوع پدیده‌ها را تبیین می‌کند و این هرگز دربردارنده این نیست که وی در واقع از وصفی از اوصاف جهان خارج خبر من دهد. داشتمد نظریه را از خود بنای من سازد تا این معاصرین و بعدی‌ها قرار گرفت و مکتب بود که در **دکتر نصیری:** ظهورش مسائل خیلی خوب را مطرح کرد و ای به سرعت مرد و به تاریخ بیوست.

یکی از کارکردهای علم خب این یک بحث، بحث بعدی در اینجا ماهیت معرفت دینی، خب بینید این یک تعریف خیلی اجمالی بود مربوط می‌شود به اینکه این معرفت دینی ما را به کجا می‌رساند؟ پس اصلاح آیا معرفت دینی صدق رساندن هست یا نه؟ اینجا ما به رویکرد گلی داریم؛ البته، رویکرد سوم چندید است، خیلی برای شما، شاید آشنا باشد اول «واقع گرامی» است، با همه تغیرهای مختلف، دوم «گزار گرامی» است و سوم «تجزیه گرامی»

مادر و شهریور
مهر و ایبان
16



علمی» را صدق و سان می‌دانستند و دوم ایازار اسکاران که «معرفت علمی» را حصدق رسان نمی‌دانست بلکه معتقدند که نظریه علمی به درد جلت پک مشکل می‌خورد نه اینکه والعمی رای برای مابین کند، بعلاوه بر سه کارکرده که در ویژگی‌های «معرفت علمی» آقای کیاشنکی لفظند، ایشان اشاره کردند به اخبار علم از افق، که آیا جذب کارکرده هم دارد یا نه، ندارد که خب این محل اختلاف بیس واقع گرایان و ایازار اسکاران است، ماله بعده که در «معرفت علمی» مذکور است بحث «رووش» است، آقای دکتر کیاشنکی اشاره کردند که قلاصه اسلامی برهان را برای آن طور که بدمست می‌آید از مباحث باب برهان هم تقریباً می‌شود این را متوجه شد، برهان را برای همه علوم حقیقی کافی می‌دانستند، ورود یک سری مباحث معرفت شناختی و حتی مباحث که سیار شیوه مباحث قلسه علم امروز باب برهان است، نشان دهنده ماله است، در بحث استقراهم که خب پیشنه خیل طول و درازی دارد، خب ماین سوال را من توایم داشته باشیم که تبیین علمی و برهان چه نسبت با هم دارند؟ و دوم اینکه جایگاه استقرا در «تبیین علمی» چه چیزی است؟ حالا جدا از اینکه «حشکله» استقرا چیست؟ آن بحث بعدی باشد، فعلاً جایگاه استقرا و برهان را بحث می‌کنیم.

آقای دکتر کیاشنکی بفرمایید

دکتر کیاشنکی: از فرمایشات آقای دکتر نصیری، استاده کردیم و همینطور تلخیص جذاب آقای حسن، دوست داشتم سؤال همین باشد چون بحث استقرا و برهان درست فلسفی منطقی ما خوبی دقیق به آن برداشته شده است و یک کم هم اشتراک نظری متعالات و مشکلاتی را پیدا نموده، فلسفه‌های ما در کتب مختلف معمولاً استقرا را تعریف می‌کنند و از درجه انتشار «ساقطه» می‌کنند و ان را در کتب منطقی در بحث جدت، سه قسم از حجت را دکتر می‌کنند، تعبیل، استقرا و قیاس، تعبیل و استقرا را این انتشار معرفی می‌کنند که منظورشان هم استقرا ناقص است، و معمولاً هم استقراها ناقص است و قیاس را به عنوان شکل منطقی استنتاج معرفی می‌کند که می‌دانید خود قیاس را بعد بر اساس مولان تقسیم می‌کنند به ۵ قسم، قیاس شعری، خطاطی، چالن، معالطف و برهانی، ولی که آن وقت قیاس برهانی شکلاً قیاس است، یعنی استنتاج از کلی به جزئی استه و لیکن به لحاظ ماده مبتنی

نظریه علمی که می‌آید، معمولاً بر آن خزانه صنایع‌های ما اضافه می‌کند، و ما حالت‌های جهان را بیشتر می‌شناسیم، ایازار گرایان این تلقی را رد می‌کنند و می‌گویند که اساساً اینطوری نیست که نظریه‌های علمی صدق رسان باشند، هر چیزی ویخته در این مخروط‌ها لولا اسلام صدق رسان نیستند نایابی سیاری از غیرواقع گرایان نظریه فایبریند و گوهرن اسلامی بذریعت که پیشرفت علم به صورت مخروطی شکل و اوجی باشد بلکه به صورت خطی است، این خط در دوره عادی علم، به صورت صاف است و پس از اوج گرفتن با چالش‌هایی روپرتو می‌شود و در صورتی که تواند به آنها پاسخ قائل گشته بدهد، دوره بحران و سیاست‌نشایاب علمی رخ می‌دهد، این بحث مفصل است و در صورت لزوم بینه توضیح بیشتری خواهد داد

به هر روشی، ایازار گرایان اسلام واقع‌نمایی علم را رد می‌کنند، پس یکی از کارکردهای علم به تظر واقع گرایان این است که علم واقع‌نمای است، از جهان خارج به ما خبر می‌دهد ولی ایازار گرایان به شدت واقع‌نمای بودن علم را رد می‌کنند، بحث درباره دیدگاه و فرازون هم برای فرست‌های بعدی بعدها

آقای حسنی: من یک جمع‌بندی یکنم از صحنه که گردند، آقای دکتر کیاشنکی اینجا جایگاه مشاهده در «معرفت علمی» را تبیین گردند که «معرفت علمی» برایه مشاهده بنا می‌شود، این مشاهده در «معرفت علمی» «مشاهده نظام‌مند» و «غروشمند» است و دو نا نسبت بین مشاهده و نظریه در «معرفت علمی» بیان گردند که یک نسبت مربوط به تولید نظریه است و در مقام کشف و یک نسبت مربوط به مقام ارزیابی مشاهده است که مقام داوری گفته می‌شود سه نا ویژگی برای معرفت علمی بیان گردند تبیین، پیش‌بینی و کنترل، آقای دکتر نصیری هم در تبیین «معرفت علمی» از تقسیم متابع معرفت شروع گردند که متابع معرفت را گفتند که فلاصله علم به عادی و غیرعادی تقسیم می‌کنند و متابع عادی، حق و مشاهده، شهود و دریافت درونی، نقل و تعقل است که آنچه که در «معرفت علمی» یا علوم تجربی خوانده می‌شود از علوم طبیعی و علوم انسانی، محور پایه‌لش همان حق و مشاهده است، دو تارویکرد هم برای «هز خود معرفت علمی» بیان گردند یکی نظر واقع گرایان بود که «معرفت



واقع شما هیچ مشاهده‌ای ندارید، اینها در واقع
همه آن مخدوش است این حرفاها، قابل خدسته
است، در واقع این طور نیست، اینطور نیست که
استغرا واقعاً هیچ نقش نداشته باشد بعد این نقش
نمی‌که برای استغرا قابل هسته‌سازی من این
است که همان جزیی است که فلسفه‌ای تبیه
بوعی تحت عنوان (تجربه) در برهان آوردند، حالا
آن چه شکل استغراست؟
بینید شما فرض کنید یک رابطه‌ای را مثلاً اینکه
فلز در اثر دم جرم آن انسانه من شود یا طول آن
زیاد من شود، در واقع یک مبلغ فلزی را وقتی به ان
دم بینید، چون جرم آن انسانه من شود، طول آن

دکتر فضیری:
فیلسوفان علم بزرگی
داریم که حتی در مقایسه
با فلاسفه خودمان برتر از
آنها هستند و فیلسوفان
علم امروز صاحب نظام
متالیزیکی هستند

بر بدیدهای حالا پنج گانه، شش گانه است که در
جای خودش بحث می‌کنند
بسیرد استغرا به این معنا را فلسفه‌ای ما و
متفلسفانه‌ای ما هر دو می‌کنند ولی جزی از
جنس استغرا که در دوره جدید مورد توجه قرار
گرفته است را فلسفه‌ای ما واجع به آن بحث
کردن و متفلسفانه‌ای ما بحث کردن و ماتام استغرا
که آن وقت در فرایند شکل گیری مفاهیم کلی،
روابط کلی نقش دارد و نقش آن را هم توضیح
دادم و لذا در برهان بوعی از این تعبیر تجربه را
یکار می‌برد، یعنی کلمه تجربه در متن متنطقی
ما به کار می‌رفته، مقصودشان شکل از استغراست

که آن را من می‌گویم (استغرا تحلیلی) خود فلسفه‌ای ما می‌کنند.
تجربه بعنی مشاهده به علاوه تجربید، که آن تعبیر می‌کنند به تجربه،
اینکه مشاهده کنید نظریه سازی کنید یعنی این حرف که والما
نظریه‌ها و قضیه‌ها و مفاهیم و اینها به گونه‌ای پیش‌نگاری دارند،
تیشیت دارند، (ایرپوریش) هستند این اساس مشکل آن همین است
که علامه‌زاده (اصلاً می‌گویند این مفسحه ایجاد می‌کند) یعنی جزی
که از یک جای دیگر آمده استه شما چکونه می‌توانید بر این که در
بیرون است، تطبیقش کنید؟ ضمن اینکه علی‌سویه با هر جزی مساوی
است (یعنی باید ویشه این مفاهیم و روایات در واقع و خارج باشد) و
مشاهده حسی یعنی از این موارد است، اما مشکل این استه مشکل این
مرور می‌کنید، (استغرا تحلیلی) است، بین این دو تا فرق طبیعی وجود
دارد، اگر استغرا را اماری بگیریم تقریباً تمام اشکال‌آنی که در بحث
دخلات دارد در این کار یعنی اگر اینجا باشیم چنین اتفاقی رخ می‌دهد با
نه؟ مکان دخالتی در این بدبند ندارد، مکان واحد کنندگی می‌گوییم
جنس این فلز شاید در این ویژگی در فلز؟ آیا مثلاً مکان این فلز هم
طبیعت بازها دیده‌اید، تضمینی ندارید که بگویید باز بعد همان رفتار به
همان شکل صورت می‌گیرد، من می‌خواهم بگویم نه فقط مورد بده،
حتی تضمینی ندارد که در همان شرایط اولی آن اتفاق رخ بدهد و بحث

استغرا اماری این است، من این یک رابطه را بر اساس احتمالاتی که
در مسئله وجود دارد مورد تحلیل و انتقاد قرار می‌دهم یعنی می‌گویم
این اتفاق برمی‌گردد به این پنج ویژگی، به این شش ویژگی، بعد
ویژگی‌ها را به صورت حذف و اضافه در موارد بدبند کنندگی می‌گیریم
این تکرار شده و موارد زیاد بوده است، این خودش تتجه می‌دهد،
اینکه روال طبیعت این است، معمولاً از گیتواخنی طبیعت هم استفاده
می‌کند برای Support استغرا به این معنا این استغرا همانطور که
متفلسفانها گفته و متقدین استغرا دوره جدید، روی آن تأکید کرده،
اعتبار ندارد، شما هیچ تضمینی ندارید وی آن جزی را که در
عملان تأثیم هم ندارد، چنین تضمینی ندارید وی آن جزی را که در
برهان بوعی تحت عنوان (تجربه) می‌آورد یک پدبندی همکنون آن جزی را که در
ایران، علاوه بر قلسفه‌های اسلامی این نوع (استغرا، تحلیل)



جزیان را دنبال می‌کند، آن وقت مباحثت واقع‌گرایی هم حل می‌شود. چون مفاهیم تئوریک شما خاستگاه آنها صلاحدادی مشاهده شما استه این است که مفهومی را که شما از مشاهدات درآورده‌اید مفهوم ناظر به مشاهدات است و مشاهدات‌تان را دارد گزارش می‌دهد، آنها توافق‌شکل استقرار مشکل گیری مفاهیم کلی را مفاهیم کلی که مابه آنها می‌گوییم معمولات، توافق‌شکل مکاتب مفاهیم کلی از علم پیدا کنند گفتند مشتابی غیر از مشاهدات دارد، آن مشتاب از وقت فرض کنید پایه می‌گفت حسن گویند گفته این می‌گویند جامعه و نسی داشتم پارادایم‌های اجتماعی (عامل تاریخی سنت‌ها) را هرمنویکدان‌ها می‌گویند، وقت‌ساز مجاز و ره افسانه زندگ واقعاً در حال که شما اصول فلسفه علامه‌زاده را بخوانید به شما از گویند «حسن یا به عده مفاهیم ذهنی ماست» و یا این مکاتب ما از حسن به مفاهیم کلی مرسیم و به شیوه استقرار تحلیلی مبنی‌تر عرض کردم علامه هم این را در کتاب برهان می‌گویند این شیوه تحلیل استقرایی با تحریر از انتزاع مفاهیم کلی از جزئیات در ریاضیات ما را به تابع قطبی، نهایی می‌رساند چون استقرار اثبات تمام استه احتمال از حوزه احتمالات خارج نمی‌داند اما در فیزیک شما را به توجه قطبی نمی‌رساند پس از این عرفت علمی به این معنا معرفت استقرایی استه نظریه‌ها پنهان به مشاهدات و تکرار مشاهدات هستند، اما در عین این کار را من کنیم عمل مکاتب دستیابی به مفاهیم کلی در ریاضیات هم همین است، مثلاً من یک مثلث را می‌بینم و دو مثلث را می‌بینم، بعد به مفهوم مثلث می‌رسم، می‌دانم نظریه از سطح و بوعن نظریه علامه‌زاده می‌گردید می‌توانیم مفهوم مثلث را از حالتها و مفاهیم دیگر را از احتمال و کنترل کنید بسیار در ریاضیات هم این داشتند گذشتند که در می‌سیم من به آن احتمال توجه نکردم، در واقع احتمالات جدید می‌آیند و علت ابطال شدن این است که شما در آن فراپسند انتزاعیان را abstraction نوشتید تمام حالتها و احتمالات قبل احصاء نیست، برای همین دچار خطأ می‌شویم یعنی مثلاً فرض کنید من طول این فنر را بر اساس حلا ساختار معقول فعلی ام می‌ستی بر چند عامل می‌دانم، آن وقت آن عامل را کنترل می‌کنم، حذف می‌کنم، می‌رسم به یک عامل ولی ممکن است احتمال دیگری وجود داشته باشد که در می‌سیم من به آن احتمال توجه نکردم، کار را من کنیم علاوه مکاتب دستیابی به مفاهیم کلی در ریاضیات هم همین است، مثلاً من یک مثلث را می‌بینم و دو مثلث را می‌بینم، تا آنکه این می‌گذرد، من مفهوم مثلث را از سطح و بوعن نظریه از شیوه استقرار تحلیلی گرفته یعنی جطور؟ یعنی اعدام یک مثلث، دو و یاده مثلث، مثلث را ویزگی‌های تبییرپذیرشان را حذف کردم، ویزگی‌های ثابت آنها را درآوردم، آن وقت آن ویزگی‌های ثابت برای من شد «تعریف» مثلث، مبنی‌تر جوا در ریاضیات نیست‌های ابطال نمی‌شود؛ علت آن این است که در ریاضیات به علت شهودی بودن موضوعات، استقرار اثبات تقریباً تمام است، عملاً

یزیده‌های جزئی می‌زود سراغ حسن، حسن یعنی اینکه من نمی‌دانم از کجا می‌ایم مکاتب این را هم اصلاً نمی‌دانم، در واقع بیشتر نمی‌دانم استه این نظریه پایه که می‌گویند مشتاب نظریه‌ها و فرضیه‌ها حسن است، یعنی آن را بخطه کلی راشما می‌گویند بیشتر یک حسن ذهنی است، این در واقع واقع آن اینطور نیست متفقین لمثال پایه گفته‌اند اینطور نیست لذا این حسن به ذهن هو کسی نمی‌آید باید داشتمندی باشند قبلاً با این موضوعات در گیر بوده باشد این طور نیست که حسن در هر ذهنی متولد شود ضمن اینکه این فراپسندشان می‌شود با این شیوه و عملاً بوعن سینا عملایا با همین شیوه وقت چلو، حالا ممکن است شما بگویند که بوعن با این شیوه می‌فرست این می‌گذرد، آن بخت بر من گردد به اینکه خوب دقت کنید در استقرار یزیده‌های طبیعی تمام احتمالات قبل احصاء نیست، برای همین دچار خطأ می‌شویم یعنی مثلاً فرض کنید من طول این فنر را از سطح حلا ساختار معقول فعلی ام می‌ستی بر چند عامل می‌دانم، آن وقت آن عامل را کنترل می‌کنم، حذف می‌کنم، می‌رسم به یک عامل ولی ممکن است احتمال دیگری وجود داشته باشد که در می‌سیم من به آن احتمال توجه نکردم، در واقع احتمالات جدید می‌آیند و علت ابطال شدن این است که شما در آن فراپسند انتزاعیان را abstraction نوشتید تمام حالتها و مفاهیم دیگر را از احصاء و کنترل کنید بسیار در ریاضیات هم این حضرت آیت الله مصباح همین نظریه را تأیید می‌کند به گونه‌ای برخی از نظریه‌های رقیب دارد را نمی‌پذیرند، من مفهوم مثلث را از مثلث گرفتم ولی از شیوه استقرار تحلیلی گرفته یعنی جطور؟ یعنی اعدام یک مثلث، دو و یاده مثلث، مثلث را ویزگی‌های تبییرپذیرشان را حذف کردم، ویزگی‌های ثابت آنها را درآوردم، آن وقت آن ویزگی‌های ثابت برای من شد «تعریف» مثلث، مبنی‌تر جوا در ریاضیات نیست‌های ابطال نمی‌شود؛ علت آن این است که در ریاضیات به علت شهودی بودن موضوعات، استقرار اثبات تقریباً تمام است، عملاً

دکتر نصیری:

علم متأخر، واقع‌گرایی علمی، معمولاً از آن تبعیر می‌کند پک واقعیت‌گرایی علمی، معمولاً از آن تبعیر می‌کند پک واقعیت‌گرایی غیر جرمی است، عرضه این است که استقرار اثبات انساری داریم، مشکل‌گرانی دارد حالا گفته وارد مشکل تسبیب متعلق‌دانها و فلسفه‌های ما هم توجه داشتند، تضمینی متعلقی ندارد اصلاً از تابعی با محتوای رابطه برقوار نمی‌شود، شما از یک یزیده چون تکرار شده است، می‌خواهید توجه یک‌گیرید که این داشتی است، نمی‌تواند چیزی کاری بکند ولی یک استقرار تحلیلی داریم، در کتاب جستی علمی، یک آزمایش را نقل می‌کند در مورد اینکه شما می‌دانید آن خفاش‌ها می‌شنوند محبشان را می‌شنند ولی با

در تاریخ علم نظریه‌های

بسیار جا افتاده‌ای

داشتم که صدها سال بر

ما حکومت کردند و تمام

زندگی ما را چرخاندند

و تقویم‌مان را بر اساس

آنها ساختیم.

روابط را می‌توانید احصاء کنید، برای همین مقدمه‌مان ابطال نمی‌شود تمام مصادیق حقیقی مصادیق مشاهده ناشده را پیوشتی می‌دهد، روشنانه هم همیتوان استه اما در فیزیک که می‌آید، مسأله متفاوت است فراپسند تحریرید یا توجهه با استقرار تحلیلی همان فراپسند استه مبنی‌تر جوا در واقع احتمالات به ذهن این داشتمندان نیامده، نیوتن به یک مفهوم می‌رسد فرض کنید در نسبت به یک مفهوم دیگر، متفاوت‌ها برمی‌گردد به عدم احصاء‌پذیری احتمالات خوب دقت کنید، اگر این فراپسند که ما در استقرار واقع بذیریم که عملایا فلسفه‌های ما همین



دکتر نعیمی: من یک پژوهشگری دارم امیدوارم که یک جلسه‌ای جنایت‌کش شود درباره استغرا بحث شود یعنی با این سرعتی که الان داریم، نسی شود تضمیم گرفت درباره استغرا سریع سخن گفت: اگر استغرا را به استغرا اماری (اینسته) من ترجیح می‌دهم که از تعبیر استغرا شمارشی استفاده کنم (کیم) و استغرا تحلیلی تفسیر کنم، فکر نسی کنم مسأله با این تضییبندی استغرا حل شود. آنسته ما بحتمان در واقع رایطه تبین با استغرا است و امیدوارم به بحث بررهان که افای دکتر کیاشتیکی به آن شارة کردند بدان برسیم، بیشید استغرا تحلیلی که افای دکتر کیاشتیکی فرمودند که در فلسفه ما هست و معمولاً آنسته من انحصار را تقدیمیدم. انحصار که مقصودتان نیست؟

دکتر کیاشتیکی: نه، بعضی فکر من کیم مثل

راحت من شود فهمید که با چشم من بیند یا نه، چشم او را من بیند.

دکتر نعیمی: باز هم می‌برود، در واقع شما این چشم را

کور هم بکنید، باز هم می‌بینید من برود یعنی اسما ربطی به بیان این

نذارد همین حالت پیش می‌آید، فکر نکنید داشتم همان اول وقت

سراغ گوش آن، ا نوع امتحانات را باید انجام بدهید، بعضی باید تمام

شاند ممکن دخیل در این بودن و انتسابی کنند، وحدت یکی بکنی

در ازمامش هایش حذف کنند، به مرور فهمیدند وقتی پنه در گوش

خفاش می‌گذارند بعد دیگر می‌خورد به در و دیوار، متوجه شدند که از

این شناسایی اش برای دیدن محیط استفاده می‌کنند بینند اینکه است

این شناسایی که ما بینیم و بعد خداوند بینیم، این خداوند کوچ

نیستند، خداوندان هایند بینان روشن شده هم دارند، جای پایه

من گوید بینان دارند ولی بینان روشنند نیست، بعضی شما نیز تواید

مکاتبی تعریف کنید که داشتمندان با آن مکاتبی بتوانند از جزئیات

به مقاومت برسند شمن اینکه قدرت تخلی خلاقی هم به جای خود

وجود دارد حالان آن جیزی است که باید راجع به آن بحث کنیم چون

اینکه شما کدام احتمالات را انتخاب کنید و روی آن تأکید کنید اینها

جیزهایی است که معمولاً نوع با تخلی خلاقی داشتمند با قردن روی

اینها تأثیر دارد اینها کار را جلوز می‌برد شاید یک ادم با نوع و

خلافیت کسر به اختلاطی توجه کند که آن احتمالات و اتفاقات با یک

نگاه دقیق نرا از بدرو بروند کنار، در صورتی که بوازع من روند روی

احتمالاتی دست می‌گذارند که آن احتمالات اسلامی ترند، این بیرون را

هم فلسفه‌های ما شناخته بودند، از آن تعبیر می‌گردند به حدس،

ابوعلی سیستانی می‌گوید خدا بعضی فقط فلار است حد وسط بررهان را

بدون اینکه به گردد در مقدمات، پیدا کند آنسته این تحلیل است از استغرا

که در سنت ما بوده است و تصور من این است که این تحلیل نتش

استغرا در شکل گیری مذاہم و نظریه‌های علمی در مقام گفت‌حنی

توضیح می‌دهد، شخص می‌کند، مادفعای مکتب از استغرا مبتدا

استغرا به معنای استغرا اماری که امروز رشد شده، منطق دانهای ما

هم رشد کرده بودند از راهی آن معنا نه، به معنای استغرا تحلیلی

داری مواجه می‌شوم، متلا وارد این آنک می‌شوم، یک ذممه مشاهده

آقای حسنه:

برای اعتبارسنجی علوم

طبیعی روش‌های متنوعی

است ولی آن چیزی که

بیشتر شهرت پیدا کرده

است یکی روش استغرا

است که پیشینه خیلی

درازی دارد و دوم روش

حدس است.

جسم نمی‌بیند، در واقع محیط‌اش را با

گوشه‌ان می‌بیند در حقیقت آنها یک

سیگنال‌های را ارسال می‌کنند مثل مکاتبیم

والار عمل می‌کنند این سیگنال‌ها به موانع

می‌خواهند، بررسی گردد با استفاده از شناسایی‌شان

که می‌توانند این سیگنال را دریافت کنند

می‌فهمند جلویشان نیش هست یا نیست

چطور فهمیدند که خداش با گوش می‌بیند؟

چطور فهمیدند؟ حدس زندن؟ همینطور یک

حدس می‌باشد، اینطور نبوده است، وقتی این

خفاش‌ها را به این شکل رصد کردند، بعضی

گفته‌اند فرض کرد این خفاش بیند با جسمش

می‌بیند، شاید چشم اساساً می‌تواند در

تلریک بیند، مثلاً فرض کنید، امواج مادون

قرمز را با چشم دریافت می‌کند، خب خیلی

راحت من شود فهمید که با چشم من بیند یا نه، چشم او را من بیند،

چشم خفاش را بسته، دیدند باز هم می‌برود، در واقع شما این چشم را

کور هم بکنید، باز هم می‌بینید من برود یعنی اسما ربطی به بیان این

نذارد همین حالت پیش می‌آید، فکر نکنید داشتم همان اول وقت

سراغ گوش آن، ا نوع امتحانات را باید انجام بدهید، بعضی باید تمام

شاند ممکن دخیل در این بودن و انتسابی کنند، وحدت یکی بکنی

در ازمامش هایش حذف کنند، به مرور فهمیدند وقتی پنه در گوش

خفاش می‌گذارند بعد دیگر می‌خورد به در و دیوار، متوجه شدند که از

این شناسایی اش برای دیدن محیط استفاده می‌کنند بینند اینکه است

این شناسایی که ما بینیم و بعد خداوند بینیم، این خداوند کوچ

نیستند، خداوندان هایند بینان روشن شده هم وارد

می‌گوید بینان دارند ولی بینان روشنند نیست، بعضی شما نیز تواید

مکاتبی تعریف کنید که داشتمندان با آن مکاتبی بتوانند از جزئیات

به مقاومت برسند شمن اینکه قدرت تخلی خلاقی هم به جای خود

وجود دارد حالان آن جیزی است که باید راجع به آن بحث کنیم چون

اینکه شما کدام احتمالات را انتخاب کنید و روی آن تأکید کنید اینها

جیزهایی است که معمولاً نوع با تخلی خلاقی داشتمند با قردن روی

اینها تأثیر دارد اینها کار را جلوز می‌برد شاید یک ادم با نوع و

خلافیت کسر به اختلاطی توجه کند که آن احتمالات و اتفاقات با یک

نگاه دقیق نرا از بدرو بروند کنار، در صورتی که بوازع من روند روی

احتمالاتی دست می‌گذارند که آن احتمالات اسلامی ترند، این بیرون را

هم فلسفه‌های ما شناخته بودند، از آن تعبیر می‌گردند به حدس،

ابوعلی سیستانی می‌گوید خدا بعضی فقط فلار است حد وسط بررهان را

بدون اینکه به گردد در مقدمات، پیدا کند آنسته این تحلیل است از استغرا

که در سنت ما بوده است و تصور من این است که این تحلیل نتش

استغرا در شکل گیری مذاہم و نظریه‌های علمی در مقام گفت‌حنی

توضیح می‌دهد، شخص می‌کند، مادفعای مکتب از استغرا مبتدا

استغرا به معنای استغرا اماری که امروز رشد شده، منطق دانهای ما

هم رشد کرده بودند از راهی آن معنا نه، به معنای استغرا تحلیلی

که از آن تحت عنوان «تجربه» در منطق ما در واقع باد شده است



حالی به سراغ مشاهده نمی‌رود. یا مثلاً تصویر مکعب چهار گوش را در نظر بگیرید. شما حداقل ۲ گونه می‌توانید آن را بینید. یعنی یک بار نگاه می‌کنید، شبیب سقف آن به پایین است و بار دیگر که می‌نگرید شبیب سقف آن به سمت بالاست. جراحتین این است و حالت‌های مکعب در دو زمان نگریستن ماقبل و متأخر می‌شود؟ بینید این را در واقع یکی از مؤذنات روانشناسی داشتند برای اینکه انسان قبل از مشاهده اول برای خودش یک پیش‌فرض دارد یک جزوی می‌سازد بعد مشاهده می‌کند. لذاست که شما دیدتان را بسته به تغیر هم اینطوری است که اگاهی اوقات یک امر را یک طوری تبین می‌کنید گاهی اوقات طور دیگر، البته خلی بجهات این بحث بپرداز، ولی بحث این است که مشاهده بدون پیش‌فرض شما ممکن است یا نه؟ این بحث اگر بخواهیم خلی می‌علمی تو و «فیق تر هم بیوند بخورد»، با بحث ما که بحث استغرا است، سوال آن این است، خلی از اندیشه‌دان امروزه مفطوح کردن بعد از پرسش، بعد از اینکه پرسش نظریه‌اش را مطرح کرد فرضیه را بیان کرد، بینید پرسش امد گفت که ارسطر، تا حالا سه گونه استدلال را برای ما مطرح کرد معرفی کرد، استغرا منظم باشد، اسلام‌دان هیچ مساله‌ای نسبت‌هایی که غیر عادی می‌شود، ماله افریده می‌شود و شما دنیا تبین آن هستید خب یک بحث هست و اینکه فرضیه چگونه ساخته می‌شود؟ داشتن دان مانند این یک دفعه مشاهده کردن که این سیاره از مسیرش یک مقدار متوجه شده، این برای ما عادی است، چون اصلاً توجه نداریم ولی برای داشتن سوال است، داشتن دنیا می‌خواهد این را حل کند و به استدلال به جرایی و قوی این پدیده اشاره از مسیر پاسخ دهد. چه می‌کند؟ داشتن دنیا می‌خواهد چه کار می‌کند؟ یک برداشت عادی این بود که داشتن دنیا می‌اید استغرا می‌کند در پاسخ به سوال علمی، نمونه‌های ابررسی می‌کند، همانطور که اقای دکتر کیانوشی فرمودند مثل همین فلز، این فلز منیست می‌شود در هنگام حرارت به چه علت؟ استغرا می‌کند و این را جواب می‌دهد ولی، سوال این است که ایا داشتن در این استغرا و مشاهده تمنه‌ها خالی‌الذهن عمل می‌کند؟ یعنی ایا با ذهن خالی و بدون هیچ برداشت و تلقی‌ای به مشاهده می‌بردند؟ یک برداشت ساده این است که به انسان‌ها و داشتن دنیا به نحو خالی‌الذهن به سراغ مشاهده می‌روند، اما یک برداشت دیگری هست، یک پاسخ دیگری هست که اخیراً خلی مورد توجه قرار گرفته، یعنی برجهست شد این بحث اصلًا مورد توجه نبود من فکر می‌کنم اندیشه‌دان ما یک توجهی به این داشتند، به هر حال فعلاً بحث ما نیست و آن این است که ایا شما می‌توانید بدون داشتن دنیا ذهنیان، یک مشاهده انجام دهید یا یک فرضیه بازیزد؟ یک تقریب به بازیزد؟ این یک سوال جدی است که در برای فیلوفان علم فرار گرفت، اساساً علمی گویند من مشاهده می‌کنم، ده نا مشاهده انجام می‌دهم، ده نا مورد را برسی می‌کنم، یک تقریب در ذهنیم می‌اید بسیاری از فیلوفان معتقدند که اساساً این امر (یعنی مشاهده با ذهن خالی و فلز از تلقی و نظریه) شدنی نیست، من فقط برای تأیید این سخن به برخی نکات اشاره می‌کنم، تصویر معروف اردک و خرگوش را در نظر بیاورید که در یک زمان که می‌نگرید خرگوش دیده می‌شود و در زمان بعد که می‌نگرید اردک دیده می‌شود علت این امر این است که ذهن شما

می‌کنم صندلی‌ها بدم ریخته است، ایوان لخته است، اب اینجا ریخته است، با دیدن این امور، فوراً یک سوال پیش می‌اید، و آن این که «جراحتین پدیده‌ای رخ داده است؟» جراحتین افتد؟ جراحتین های به هم ریخته است، تبین که در علم بسیار مهم و از نظر برش مقدمه ترین هدف علم است، عبارت است از پاسخ دادن به این جزئی‌ها یعنی پاسخ دادن به پرسش‌های جواز.

دکتر کیانوشی: بحث استغرا را مقدمه کردیم بر تبین، چون تبین به گونه‌ای نسبت به استغرا حالت فرعی دارد، اقای حسنی؛ آنکه من پیشتر صحبت این بود که جایگاه استغرا روش شود، ولی بحث پیشتر رفته روی مشکله استغرا که صحبت بعدی ماست.

دکتر نصیری: حالا تبین را انشاء الله بحث می‌کنم، اگر فرصت شد، تبین در واقع به صورت خلی عالم آن، پاسخ به پرسش جراحت است، شما واقعی این واقعه را می‌بینید یک والمه شگفتگی‌گیر حساب می‌شود، غیرعلایی حساب می‌شود، چون تعجب شما از برمی‌انگیزد، اگر تعجبتان نیامده، هرگز به دنیا پاسخ نیستید، وارد آنکه می‌شود اگر همه جیز منظم باشد، اسلام‌دان هیچ مساله‌ای نسبت‌هایی که غیر عادی می‌شود، ماله افریده می‌شود و شما دنیا تبین آن هستید خب یک بحث هست و اینکه فرضیه چگونه ساخته می‌شود؟ داشتن دان مانند این یک دفعه مشاهده کردن که این سیاره از مسیرش یک مقدار متوجه شده، این برای ما عادی است، چون اصلاً توجه نداریم ولی برای داشتن سوال است، داشتن دنیا می‌خواهد این را حل کند و به استدلال به جرایی و قوی این پدیده اشاره از مسیر پاسخ دهد. چه می‌کند؟ داشتن دنیا می‌خواهد چه کار می‌کند؟ یک برداشت عادی این بود که داشتن دنیا می‌اید استغرا می‌کند در پاسخ به سوال علمی، نمونه‌های ابررسی می‌کند، همانطور که اقای دکتر کیانوشی فرمودند مثل همین فلز، این فلز منیست می‌شود در هنگام حرارت به چه علت؟ استغرا می‌کند و این را جواب می‌دهد ولی، سوال این است که ایا داشتن در این استغرا و مشاهده تمنه‌ها خالی‌الذهن عمل می‌کند؟ یعنی ایا با ذهن خالی و بدون هیچ برداشت و تلقی‌ای به مشاهده

می‌بردند؟ یک برداشت ساده این است که به انسان‌ها و داشتن دنیا به نحو خالی‌الذهن به سراغ مشاهده می‌روند، اما یک برداشت دیگری هست، یک پاسخ دیگری هست که اخیراً خلی مورد توجه قرار گرفته، یعنی برجهست شد این بحث اصلًا مورد توجه نبود من فکر می‌کنم اندیشه‌دان ما یک توجهی به این داشتند، به هر حال فعلاً بحث ما نیست و آن این است که ایا شما می‌توانید بدون داشتن دنیا ذهنیان، یک مشاهده انجام دهید یا یک فرضیه بازیزد؟ یک تقریب به بازیزد؟ این یک سوال جدی است که در برای فیلوفان علم فرار گرفت، اساساً علمی گویند من مشاهده می‌کنم، ده نا مشاهده انجام می‌دهم، ده نا مورد را برسی می‌کنم، یک تقریب در ذهنیم می‌اید بسیاری از نکات اشاره می‌کنم، تصویر معروف اردک و خرگوش را در نظر بیاورید که در یک زمان که می‌نگرید خرگوش دیده می‌شود و در زمان بعد که می‌نگرید اردک دیده می‌شود علت این امر این است که ذهن شما



اقای حسنی: با تکریز اساتید در این بحث اقای دکتر کیانوشکی روش‌های استدلال در نزد منطق دانان را مطرح کردند که سه روش آن را مطرح کردند، برها، تنبیل و استقرار که برها را منطق دانان سلمان روش مبتداً من دانند و تنبیل و استقرار را تأمینی و استقرار را تضمیم کردند به استقرار اماراتی و استقراری تحلیلی که البته آن استقراری که در آنجا تأمینی شمرده می‌شود استقراری اماراتی هست که اقای دکتر نصیری با کلمه استقراری شمارشی از آن نام برداشت، استقراری تحلیلی که اسم دیگری نجربه است به گونه‌ای از ارجاع داده می‌شود به قیاس و برها که موضوع را داخل یک جاری‌بود نظری که مولفه‌های شناخته شده احتمال دخیل را بررسی می‌کند در ریاضیات استقرار عملاً تام

دکتر کیاشمشکی: نظام فلسفی بوعلی سینا، یک نظام جامعی است، به طبیعتیات هم توجه دارد، بعضی‌ها هم می‌کویند بوعلی به مشاهده خیلی توجه داشته است.

پیرس می‌گوید بینند اول فرضیه به ذهن شما می‌آید می‌گوید این فرایند استدلال اینطوری است شما در واقع این استدلال را کریدند می‌گویند این امر شکفت اور است، اما اگر زد آمده باشد، دیگر شکفت اور نخواهد بود بنابراین نتیجه می‌گیریم که زد آمده من نمی‌خواهم وارد بحث این مسأله شوم، بعد از اینکه پیرس این را مطرح کرد خیلی‌ها آمدند پس تغیری معمظم بحث‌های مربوط به استدلال‌های استقراری معطوف شده به دیدگاه‌های پیرس، از جمله این بحث مطرح شد که آیا فرضیه‌برایی چه رابطه‌ای با استقرار دارد؟ آیا همان استقراری‌ها با آن متفاوت است؟ (بنده این بحث را در مقاله «رابطه فرضیه‌برایی با استقرار و حدم» در مجله نقد و نظر به تفصیل بحث کرده‌ام، خب اینجا فیلسوفان علم دو دسته کلی شدند یکی تحولی گردیدند و بعضی‌ها غیر تحولی گردیدند تحولی گرایان خودشان دو دسته شدند بعضی‌ها آمده‌اند که استقراری بر این بود و دیگری مشاهده هستند به اینکه اینکه این دسته از فرضیه‌برایی - بعضی‌ها گفته برعکس است و فرضیه‌برایی برمی‌گردد به استقرار مفهوم ترین دیدگاه‌ها در این زمینه دیدگاه فومن و هارمن می‌باشد. از سوی دیگر، غیرتحولی گرایان گفته‌اند که اساساً هیچ کدام قابل تحولی به هم‌دیگر نیستند بلکه این دو، دو استدلال جانانه هستند. حالا اگر بینند اگر با توجه به این بحث نگاه کنیم، این بحث مشاهده از نظریه هم مسأله جدی است، با تغییر استقراری شمارشی از استقراری تحلیلی حل نمی‌شود و اشکالات هیوم به استقرار وارد می‌شود به هر تدبیر وارد است و باید جواب داده شود و گرانبار بودن مشاهده از نظریه هم مسأله جدی است که اقای دکتر کیانوشکی این را نقی کرده‌اند نوع جدیدی از استدلال و افراد کتابه نوع استقرار عملاً تام

ایشان مطرح کرده‌اند که پیرس مطرح می‌کند که این فرضیه‌برایی است بعضی‌ها اینها باشند از استقرار چه می‌شود؟ اینجا دیگر بحث وارد می‌شود که رابطه استقرار را با فرضیه‌برایی جست؟ بینند بعد وارد جواب شویم، یعنی پس اگر بخواهیم جواب بدهیم با توجه به این بحث عامل اصل را تجاذب بدھیم ولی اگر بخواهیم خیلی خلاصه مطرح کنیم، شکنی نیست که در تبیین علمی که بحث ما هست، معمولاً مشاهده همانطور که فرمودند در واقع محور اصلی است و مشاهده از راه استقرار به دست می‌آید، این استقرار هم حالا، شمارشی یا تحلیلی، باشند از این شکله است که مشکله دقیقاً چه چیزی هست؟ این یک جمع‌بندی از رویکردهایی که در پاسخ به مشکله مطرح شده است دکتر کیاشمشکی: من دوست دارم بحث مشکله استقرار به این شکل را بسیاریم به اقای دکتر نصیری، من عرض انسام و انکمل کنم که این حرف‌خاست و گرمه که خیلی از مسائل به راحتی حل می‌شوند خیلی‌ها از راه میل وارد شدند تغییر مثل پرتو لیتوتون (از فلسفه اسلامی) علم معاصر) که تقریباً نهادن این بحث است ایشان هم استقرارها را سعی می‌کند بیاند در قالب استنتاج پرتوین شین و با الهام از خیلی «علمه خوانده نمی‌شود، بدایه، تهایه، خوانده می‌شود و بعده از میاخت و تحلیل‌هایی که علامه به عنوان یک فلسفه شناس مسلمان که هم برست مشای ایشان سلطاط دارد و هم برست مشایه، نمی‌دانیم در اینجا مورد بحث بند نیست، فقط می‌خواهیم اشاره کنم که ایشان بسیار تلاش کرده و مباحث پرمناتی را در کتاب خود انجام داده است که اگر سروزان وقت داشته باشدند، می‌توانم دیدگاه‌های ایشان را نیز تشریح و بررسی کنم.

الاس آن پیش زمینه ذهنی اش انتخاب می کند و این مشاهدات بعنی جهت مشاهدات او مبنی بر مفروضات آن است ولی اینکه بگوییم کلا مشاهده جنین وضعی دارد بدحالا هنسون در آن کتاب التکوهات گفت موادی را می اورد از جمله موادردی که آقای دکتر فرمودند برداشت های مختلف از این اشکال واقعیت این است که به گونه ای به نظر می آید عرض کردم از بیانه راه رفتن استه باید ما در فلسفه تباراشناسیمان را به انتهای برسانیم و این کاری است که عرض من کنم علامه در اصول ظرفه کرده و قصی شمامی بیننده همین بحث ABDUCTION که مطرح می کند اینها هم وسطا کار رفتن است در واقع وقتی من می آیم داخل سالن اینجا من بینم سندل های به ریخته ایست اوضاع به هم ریخته است درست ایک هیچ تصویری از گذشته نداشته باشم هیچ مفہومی در ذهن نداشته باشم اصلا سوالی پیش نمی آید تا بخواهم به جوانی برسه ولی در واقع دقت کنید این سوال که پیش می آید میتوان بر مقاهیم قبلي شمامست درست همان را ما آن مقاهیم قبلي از کجا یدید امده اند در واقع دنیا کنید بینند مقاهیم قبلي از کجا آمدند است ایک اینها را تباراشناسی کنید خواهید دید می رسید به گذشته ای که اینها همین وصفی دارد سامان ددهم و پاسخ بدهم فرضیه ریاضی شما هم جنین وصفی دارد حالا اینکه من فرمایید بحث تحويل کراپی و اینها در واقع به یک معنا ایک فرضیه ریاضی را م وسطا کار بینم به استقراری برمی گردد ولی ایک شما ماهیت خود آن استقرار را آنچا هم دارد احتمالات را رصد کنید آن را پخواهید ریشه باری کنید به یک نکلی از فرضیه ریاضی می رسید در واقع

خطور عده مقاهیم ذهنی ما برمی گردد به گذشته ای این آنچه تشریح می کنند توضیح می دهند بخواهد متوجه می شود که بینند در سطوح پایین ترا افراد حس هنوز مفہوم شکل نگرفته تا آن مشاهدات گوایی از مقاهیم نظری پاشد این حرفاها بستر در سطوح بالاتر افراد شکل می گیرد که شما یک نظام مفہومی در ذهنتان شکل گرفته و بعد آن وقت بینند در این مرحله مشاهدات تحت تأثیر آن نظام مفہومی است این همان جزیی است که عرض من کنم از وسط کار ماجرا را دنیال کردن شما بتوانید را در نظر می گیرید بتوان یک ذهن پسر از مقاهیم و اصطلاحات و نسبت ها و گزاردها دارد بعد می گویند جانب بیرون وقتی نگاه می کند به یک پدیده برداشتی که از آن بیدهد دارد کاملا تحت تأثیر فضای ذهنی اش است این را کسی منکر نمیست ولی می خواهد از این نتیجه بگیرید که مشاهده در هر سطحی تحت تأثیر بینان های ذهنی و مقاهیم پیش ندارد ذهنی است خب این استنتاج به نظرم دو اشکال دارد و به خوبی علامه آنچه توضیح می دهد خطور مقاهیم شکل می گیرند در ذهن ایک شکل گیری مقاهیم را م تغییر گیریم خواهیم دید که لبنا یک مواجهه خیلی ساده یا بیرون از ذهن ما شکل می گیرد یعنی یک کودک وقتی به اشیا نگاه می کند می بیند نه اینکه نمی بیند بگوییم مشاهده ندارد با روشن کنید متغیرهای از مشاهده چیست در واقع یک معنای خاصی از مشاهده را دارید من گویند و بعد از اشتراک لفظی این مفهوله در می آید درست مشاهده علمی من می گوییم مشاهده علمی یعنی یک دانشمند ایک بخواهد الان بیرون از این چیزهایی یک چیزهای خاصی را انتخاب می کند خصوصیات ویژه ای را تغییر می کند و این خصوصیت ها را بر

فانوس نظریه های علوم طبع از نگاه فلسفه



نمی شوند، ردیابی نمی شود، بعد شما من بینند یک آزمایش دارید که پدیدهای یک شکل هستند، بعد یک مقاومتی دارید در فیزیک کوانتوم که اساساً هیچ نسبتی با این مشاهداتان ندارد، بعد این داشتن این آنکه خاستگاه آنها فرق می کند، اما اگر یک تبارستانی کرده بودید آن مقاومت را و به این داده های مشاهده ای، رشته ارتباط این را بین کرده بودید، آنجا به نظرم می آید ناگزیر بودید از شکل از استقرار که عرض می کنم به نظرم آن استقرار تحلیل تجزیه دارد، این داشتم وارد شده ولی اینکه من تردید دارم، بوعلى راخیل دقيق می داشم، اینکه میل به دقت بوعلى سینا مسأله را تجزیه و تحلیل کرده باشد و مکاتبیم تجزیه تجزیه و این کرده باشد

نمی گوییم نکرده و ایسی تردید دارم جوں موارد دیگری را که دیدم فیلسوفهای جدید وارد این بحثها شدند، بحث های مشاهده شدند، برخورد کردم که وقت نظرهای اینسان به حد دقت نظرهای امثال بوعلى سینا نمی برسد، حالاً اگر واقعاً راههایی دارد ما خوبی با اسم هم سرو کار نداریم ولی عرضم این است که اگر این تبارستانی صورت بگیرد ناچاریم مگر اینکه شما بحث را از وسط شروع کنید یعنی وسط حوزه ادراکات ما را در نظر بگیرید و بعد در این وسط خوب تبروی از پیشنهادها پیش داده اند. وجود دارد این نکته ای بود که در تکمیل عرباضم می خواستم بگویم، متنهای پا بحث فیلی ما بود، بینند برهان درست است که هم برهان فلسفی داریم، هم برهان علمی، در الواقع به این معنا استقرار ما را به برهان من درستند، جوں مقاومتی کلی شکل می گیرند، عبارت های کلی شکل می گیرند و بعد این عبارت های کلی بایه قیاس برهانی ما من شوند، متنهای معمول از مفهوم و عرض من این است وقتی رشته باین شود همه مقاومتیان، یعنی ذهن را برگردانید به بینادهایش، آن وقت خواهید دید که در حوزه علوم تجزیه، بینان شده مواجهه ما با محسوسات و مدرکات حس و جزئیات است، در یک لایه ای اصل مقهومی در گاز نیست تا گاز اینجا از مفهوم و نظریه باشد. در واقع یک ارتباط مستقیم عربان است، بعد وقتی اینها دارم که فرد این مشاهدهای انجام بگیرد که آن مشاهده بتواند کلی من را بسطال کند اینها وجود دارد ولی در برهان فلسفی ما جذن و وضعی نداریم، کلی های ما میتوانند، متنهای معمول از مفهوم و عرض این شکل این شباهت ها و تفاوت ها زیسته را برای شکل کبیری مقاومتی در کنک کند این مشاهدهای را درک کند، تفاوت ها را فراهم می کنند، مقاومتی اولیه شکل می گیرند، همین مقاومتی دقت در آنها شکل می گیرد، می شوند مقاومتی علمی بعد نظریه ها و به همین ترتیب، اینکه بگوییم واقع آن یک منبع دیگری غیر از منبع حس مشاهده ای پشت فرضیه هایمان نهفته که در فرضیه هایی ظاهر اینجا چنین ادعایی دارد صورت می گیرند یعنی تزاع استقرار (اینداکتیو) با این اسنلال (اینداکتیو) سر همین است جو اگر آن اینداکتیو را برگردانید به همین جزئیات و تبیه تحلیل جزئیات و رسیدن به آنها، بینند مشکل این است، عرض کرد، مشکل این است در ویژگیات این است، در علوم تجزیه این است، با این تفاوت که عرض کرد، متنهای وقتی بینند بیجذبه می شود یعنی این شما من روید در فیزیک تسبیت، فیزیک کوانتوم، آن وقت، اینجا دیگر مقاومتی شما اولاً خوبی فاصله گرفته اند از مشاهدات، بیننده شده اند، فاصله ها دیگر دیده شون موضع از توجه آن شفهوم مد نظر است و ایسی در پدیدهای تجزیه حس اینظور نیست، حس من تمام وجود این شی را به من نشان نمی دهد، اول اینکه حس من حس بینانی من، بین نور قرمز و بنفش، طیفه های مرئی را فقط به من نشان می دهد بعض از

دکتر فصیری:

علوم تجزیی در نظر
لبیسوفان معاصر شامل
دو دسته علم است: اول
علوم طبیعی مثل فیزیک
و شیمی و دوم علوم
انسانی مثل روانشناسی،
جامعه شناسی و اقتصاد

که فرضیه باین شما به یک گونه نیسته در یک سطح نیست، سطوحی دارد انجایی که من می خواهم به یاسخ برسم همین که فرموده دارد، من مثلاً می گوییم دزد آمده، گاو صندوق درش باز است، قبل از دیدم که باز بوشن گاؤ صندوق یکی از مواردش این بوده که هزد آمده، اگر من قبل از برخورد نکرده بودم، با اینکه گاؤ صندوق را باز می کند اصلاً ممکن بود همچنین پاسخی به ذهنم باید؛ یعنی یک حس با در هو؟ یک حس که بگویند حالاً تحمل خلاق، نویغ، یک انسانهای که اتفاق منش ایشان است که احواله به مجیبول است به تعبیر فیلسوفهای ما و آن را بیشه بانی کنید، روش پاسخی کنید بینند این مفهوم تنظری از کجا آمده؟ این کاری است که نکرده اند، بینند آنها آنها نظریه ها را باز مشاهدات جدا کرده در سیستم های بیجذبه و Complex، حرف درست است جوں نظریه شما ردیابی نشده تا به مشاهده برسد ولی وقتی کل حوزه مشاهده را شما می خواهید تحلیل فلسفی مکنید باید تکلیف آن مقاومتی نظریه ایان را روشن کنید از کجا آمدند؟ اصل آنها از کجا آمدند؟ اگر به اصل دیگری غیر از مشاهدات و همین جزئیات رسیدید آن وقت استقرار اینداکتیو کنار حالاً که به جزئیات من رسید، مکاتبیم آن را هم می تولید توضیح بدید چطور می شود که ذهن ما از مشاهده مولاد شیوه به هم و اسلام شاهد است، شاهد های اینکه پایه اول شکل کبیری مقاومتی ماست، از مشاهدات جزئی و بعد مقایسه اینکه فیلسوفهای ما عمدتاً روی این توائی عقل بحث کردد از متأخر من عرض می کنم حضرت علامه، جناب آقا مصباح شهید مطهری این بزرگان معمولاً وارد این بحث ها شدند، آنها باید روش پاسخی شود عرض من این است وقتی رشته باین شود همه مقاومتیان، یعنی ذهن را برگردانید به بینادهایش، آن وقت خواهید دید که در حوزه علوم تجزیه، بینان شده مواجهه ما با محسوسات و مدرکات حس و جزئیات است، در یک لایه ای اصل مقهومی در گاز نیست تا گاز اینجا از مفهوم و نظریه باشد. در واقع یک ارتباط مستقیم عربان است، بعد وقتی اینها مترافق می شوند ذهن ما قادر است مشاهده را درک کند، تفاوت ها را درک کند این شباهت ها و تفاوت ها زیسته را برای شکل کبیری مقاومتی فراهم می کنند، مقاومتی اولیه شکل می گیرند، همین مقاومتی دقت در آنها شکل می گیرد، می شوند مقاومتی علمی بعد نظریه ها و به همین ترتیب، اینکه بگوییم واقع آن یک منبع دیگری غیر از منبع حس مشاهده ای پشت فرضیه هایمان نهفته که در فرضیه هایی ظاهر اینجا چنین ادعایی دارد صورت می گیرند یعنی تزاع استقرار (اینداکتیو) با این اسنلال (اینداکتیو) سر همین است جو اگر آن اینداکتیو را برگردانید به همین جزئیات و تبیه تحلیل جزئیات و رسیدن به آنها، بینند مشکل این است، عرض کرد، مشکل این است در ویژگیات این است، در علوم تجزیه این است، با این تفاوت که عرض کرد، متنهای وقتی بینند بیجذبه می شود یعنی این شما من روید در فیزیک تسبیت، فیزیک کوانتوم، آن وقت، اینجا دیگر مقاومتی شما اولاً خوبی فاصله گرفته اند از مشاهدات، بیننده شده اند، فاصله ها دیگر دیده

پیش فرض هیچ وقت نظریه را نمی تواند بازد توجه بفرمایید که این بحث اسلام را بخطی ندارد با اینکه انسان اولیه با انسان به هنگام تولدش چگونه مفهوم می سازد؟ این بحث اسلام را بخطی با آن بحث ندارد آنچه هم باز ما می توانیم بحث کنیم ولی انجا اسلام مورد بحث نماییست. در این مسأله، ببینید همه قول دارید که انسان را داریم بحث می کنیم که پیش فرض های ذهنی دارد این یک پیش فرض است متنها در قدریم خلی توجه نمی شد به نظر بندۀ بزرگان ما توجه کرده اند، توجه داشته اند ولی اشکار که در فلسفه غرب به گونه ای بوده که این توجه خلی نمی شده که انسان نمی تواند بدون پیش دانسته های ذهنی اش مشاهده را انجام دهد. فلسفه اسلام ممکن است که به مشاهده و نظریه بمار بودن آن توجه کرده اند، می گویند این انسان، (همین انسان) که امروز با آن رو برو هستیم، نه انسان که معلم در فضای این انسان محسوس فلسفی و با برداشت نمی شود این بحث بحث وجودشناختی شود) بلکه همین انسان فعلی که شامل دانسته بیز می شود، بدون پیش دانسته ذهنی، نمی تواند مشاهده خودش را برداشت کند این بحث فلسفه علمی است که همان مطلب که گفتم در روانشناسی نیز مورد بحث است و مورد بذیرش روانشناس ایست لذا در فلسفه علم یکی از ادلایی که طرفداران نظریه بمار بودن مشاهده می اورند همین پادشاهی علمی استه شروع کردن از پیش از اینکه این دکتر کیانشکی اشاره کردد چاره ای نیست. از مباحث علامه طباطبائی تبیز در اصول فلسفه خبر داریم، تقادیر شفعت آن را هم می دانیم، تقادیر قوت آن را نیز می دانیم، علامه بسیار تلاش کرده، بسیار عالی کار کرده، من هم با پیشنهاد افای دکتر کیانشکی موافق که جرا اموزش فلسفه خوانده شود اصول کتاب اصول فلسفه باید خوانده شود این کتاب در مقایسه با اموزش فلسفه امیاتیات زیادی دارد بی شک کتاب اصول فلسفه و روش را تسلیم آن جایگاهی را که باید دانش بهاند ندارد در حوزه ها و فلسفه بحث های اولیه اش بسیار عالی است. عبارات بسیار کوپاست، اکر بخواهیم مطلع کنیم مشکله را بحث، بحث زیادی است منظور این است که بحث خلی مفصل است من نمی خواهیم خلی مفصل وارد شویم و لی ببینید درباره شکل گیری مفاهیم و نظایر آن دو جیت داریم، یک بحث وجودشناختی داریم یعنی متافیزیکی داریم یک بحث معرفت شناختی، همانطور که افای دکتر کیانشکی در توضیح رشته فلسفه علم فرمودند در فلسفه معمولاً مباحث معرفت شناسی علم بحث می شود مباحث وجودشناختی وقی که بحث

فرکاتس های خاص نوری را به من شان می دهد مادران فرمود را اصلاً شان نمی دهد، ما وراء بخش را اصلاح شان نمی دهد اگر شان می داد من جیز دیگری می دیدم در محیط و حس من محیط را فیلترینگ می کند مفاهیم برآمده از این حس مفاهیم تقریبی خواهند بود ولی علم حضوری من اینطور نیست لذا برهان وقتی در فلسفه به کار می رود، مفاهیم ان معمول ثانی هستند تخصیص ناپذیر و استثنایپذیر و جلو دانه هستند. گزاره های شما که از اینها ضروری کلی و قطعی هستند، تایمی هم که به دست می آید هم قلمیر دارد، ابطال پذیر نیستند ولی همین فرایند «تجزیه» وقتی در علوم تجزیی می آید آن پذیرده های دنیا از این می آید مشکله استقراره هر شکلی بیان شود، عمدتاً برعی گوید به اینکه شمانی توایند برایه موارد جزئی یک حکم قطعی کلی استخراج کنید، نمی توانید چنین کاری کنید فلسفه های ما هم که نقد می کردد استقراراً منظور شان همین بود، چون انتقام تابع یقینی داشتند و معتقد بودند این استقرار تیجه یقینی به شما نمی دهد هیچ اعتباری ندارد بنابراین این نکاتی بود که به نظرم می آید در بحث برهان هم لازم است مطرح شود حالا مشکل استقرار و جزئیاتش را افای دکتر بفرمایند.

دکتر تصمیری: عرض کنم من می ترسم چون اینکه که در ذهنم بود، بحث بحث توصیفی است و من دلخواه بیشتر انسانی با این بحث هاست من می ترسم کاهی اوقات حرف در حرف، اسلام تقدی شود یعنی بحث از حالت ماهیت بحثمان عوض شود ولی عیوب ندارد اگر و لغای برای دوستان نشود این است، کاهی اوقات اشاره به بحث ها بد نیست.

اقای حسین: حالا تقدی حانبه تان را ببرید در ضمن مطرح مشکله استقرار یعنی فکر کنم به آن شکل هم مطرح شود را بحث براند افای تصمیری: ببینید بحث استقرار اگر مشکله را مطرح کنیم، اتصالاً بحث مفصل است، فکر کنم افای دکتر کیانشکی هم موافق باشد با این بحث، اگر بخواهیم مطلع کنیم مشکله را بحث، بحث زیادی است منظور این است که بحث خلی مفصل است من نمی خواهیم خلی مفصل وارد شویم و لی ببینید درباره شکل گیری مفاهیم و نظایر آن دو جیت داریم، یک بحث وجودشناختی داریم یعنی متافیزیکی داریم یک بحث معرفت شناختی، همانطور که افای دکتر کیانشکی در توضیح رشته فلسفه علم فرمودند در فلسفه معمولاً مباحث معرفت شناسی علم بحث می شود مباحث وجودشناختی وقی که بحث

دکتر تصمیری: من شود ساخته های خلی متفاوت می شود یعنی از حیث وجودشناختی هم بحث کرده اند مثلاً همان ملود که اشاره کردم طرفداران ایزول کراسی و واقع گرایی یکدفعه و سطا بحث می روند به مباحث وجودشناختی، اینکه افای دکتر کیانشکی فرمودند فلسفه اسلام از بینایها و تنظیمه های آغاز شروع نمی کند و مباحث را از وسط و مبانه راه شروع می کنند، از نظر بندۀ تلقی خلی دیقی نیست، در فلسفه علم بحث این است که داشتمند این نظریه را چگونه می سازد؟ در فلسفه علم بحث این است و عده ای می گویند که داشتمند بدون

من خواهم بگویم که غیر از استغرا و گذشت، عوامل دیگری هم حاکم است. درباره بحث برهان و شان یقینی آن هم بحث زیلا است و اکنون نمی توانیم وارد آن شویم من درباره روابط های هم بحث درام، حالا روابط را واقعاً چه علمی حساب کنیم؟ ظاهراً از بیانات آقای دکتر گیاشتکی اینکه فهمیده من شود که روابط پراساس استغرا پیش می بود من نمی توانم در اینجا نظر قطبی ای بهم و این بحث را به مختصمان احالة من دهم؛ فقط اشاره من کنم که در این زمینه نیز اختلاف نظر وجود دارد تحلیل های مختلف هم وجود دارد برعی روابط را جز علوم کاملاً تحلیلی می دانند، یعنی علومی که انسان نیاز به استغرا و دیدن جزئیات و بررسی جزئیات ندارد حالا من نمی خواهم اینجا بحث واقعاً به فلسفه روابط را وارد بشود من چون در فلسفه روابط تبعیجی ندارم، مفهاری در تزدکتری ام وارد این بحث نداهم، ولی بدانید که اینجا هم اختلاف نظر است. نمی شود به طور یقین گفت که مثلاً روابط هم پراساس استغراست.

دکتر گیاشتکی: نظر من اجماع نبود تحلیل خودم بود متشا ان استغرا حسنه شهودی، چون اصلاً موضوع روابط موضع مشاهدات حسنه است.

دکتر نصیری: حالا در مورد استغرا شهودی و استغرا تحلیلی نمی خواهم وارد شوم، ولی یک نکته است و آن این است که از مشکله استغرا هر دو نوع من برآمد هر دو مواجه با این اشکال مهم هیوس ساخت می شود و نمی داند اصلاً چه کار بکند در مقاله پیش گفته.

تقدیم شده بر فورمزن این است که بینید در ساخت نظریه فقط گذشته حکومت نمی کند به انسان، عوامل دیگری هم حکومت می کند مثلاً هیچ نظریه ای نمی تواند بگوید هیچ نظریه ای.

توجه فرمودید و کاملاً لکش انسان را به پا کرد و رد شد. فورمزن به گذشته و

استغرا موارد پیشین توجه می کند در اینجا سوال این است که در

این مثال که هیچ گذشته ای هم دو کار نیست، چه نظریه ای

خواهد داد و به چه نتیجه ای خواهد رسید؟ خب اینجا ایشان طبق سه

سا فرضیه داریم، خود فورمزن هم بحث می کند، یکی اینکه از اینجا

یک انسان رد شده، یکی اینکه دوست من رد شده، یکی هم اینکه

یک قبیل گذشته انسان را به پا کرد و رد شد. فورمزن به گذشته و

استغرا موارد پیشین توجه می کند در اینجا سوال این است که در

این مثال که هیچ گذشته ای و هیچ سابقه ای وجود ندارد، طبق دیدگاه

هیچ نظریه ای نمی تواند بگوید هیچ نظریه ای.

توجه فرمودید و کاملاً حاکم است. نظام فکری شما در جامعه

کاملاً حاکم است. این نظام یک سری چیزهای را داده که خود به

خود در تحلیل و تبیین مسائل این برای شما دخالت می کند الان در

قم حکمت متعاله حاکم است. با الان متعاله حاکم است. این نظام

به شما یک سری چیزهای را داد که خود به خود در تحلیل و تبیین

مسائل دخالت می کند، من حالا وارد مفصل آن نمی شود به هر روی،

اگر عوامل دیگری مثل روانشناسی، امور روانشناسی در انتخاب یک

نظریه دخیل هستد در مثال متوجه ممکن است آن انسان اولیه نظریه

میشی برآمد شدن قبیل را انتخاب کند مثلاً اگر ایشان عائق قبیل باشد،

ممکن است استیاطش این باشد که از اینجا قبیل رد شده است، یا اگر

ایشان همیشه در انتظار این بوده که دوستش را بینید اینجا

رد شدن دوستش را انتخاب کند، بینید اینجا اصلًا

استغرا ای

نمی کند



در این صورت، نیوتن یک فرضیه دیگر مطرح می‌کند و هکناید، بعد یک دفعه جالش دوم مطرح شد جالش سوم، جالش چهارم، این جالش‌ها که مطرح می‌شود فرضیه‌های کمکی به جنب و جوش من اقتضی و سی می‌کند این جالش‌ها پر طرف کند فرض کمکی که یک دفعه ده تا جالش مطرح شد و فرضیه‌های کمکی نیوتن تتوالیست به آنها جواب بدشت در این صورت است که اینجا به اصلاح دوره پجران شروع می‌شود در علم، این بحران ادامه دارد تا وقتی که چالمه داشمندان تینین کند که این نظام دیگر نمی‌تواند به این پاسخ دهد و وقتی تعیین گردند «انقلاب» به یا من شود انقلاب شد آن فرضیه‌های

کمکی خود به خود می‌روند کنار و آن هسته می‌شکند؛ مثل یک گرد و که شما فشار بدیده، بشکند و قش که شکست این نظام نیوتنی کار می‌رود و یک نظام کهنه‌ی جدید (مثل نظام اینشتین) با هسته سخت خاص خود و یک سری فرضیه‌های کمکی مطرح و جایگزین نظام قبلی می‌شود. اینستین هسته سخت نظام علمی خود را می‌سازد و دور آن برای خودش فرضیه‌های کمکی را می‌جند (برای توضیح بیشتر مواجهه کنید به کتاب اینجانب با عنوان روش شناسی علم و الهیات انتشارات مؤسسه امورشی و پژوهشی امام خمینی)، به هر روی، کسانی نظریه کوئن منعتقدند که با شروع دوره جدید حتی مقیوم سازی شما کلا دیگر بهم می‌خورد اینجا اصولاً کاری ندارند که مقیوم تری را چکونه ساخته باشند اینها می‌گویند ما در مقام فعلی و در مقام عمل حتی تعریف مفاهیم علمی تیز ممکن است تغییر گذشتلای پیش تو در یک دوره پیشین تندگ را جزو ماهیات حساب می‌گردید ایا آلان هم جزو ماهیات حساب می‌شود؟ در دوره حاضر چنین نیست.

دکتر کیاشمشکی: من یک نکته‌ای را اجازه بدید کوتاه عرض کنم من غیر می‌خواهم، بیبینید عرض من این است، پرسش‌های فلسفی میانه راه پیدید می‌آید ولی پاسخ بخواهید بدید تا بیان‌ها بیش بروید شهید مطهیری در کتاب عدل‌الله مسأله جبر و اختصار را که مطرح می‌گند می‌فرمایند این مسأله خیلی عمومی شده، یعنی اندیشه‌ای سواد هم با این مسأله درگیر هستند، و قماشکل دارند، آیا ما مجبوریم؟ اختیار داریم؟ چقدر تنش داریم در یزندیگان؟ سرنوشت و تقدیر چه کاره است؟ بینید همه در گیر هستند ولی پاسخ به این مسأله احتیاج دارد به این که شما یک تحملی بینایی از شکل‌گیری اراده، اکض، رفتار اختیاری از آنکه بدشت تا پاسخ بددهد عرض من این است که فلسفه‌های علم، فلسفه نیست عرض من این است به معنای دقیق کلمه جون فلسفه را متصدش نبودند، اینکه گوهن موضع علم بوده ای کافی موضع مانده بود کافی نیامده بود اثبات نظر ظرفی می‌گرد، انسکالی را مطرح کرد انسکال فلسفی قبول است ولی برای پاسخ به این انسکال ماناجاریم بینایها را اقماریستهایی کنیم شما می‌گویید که این بیست مفاهیم تغییر می‌کند من می‌گویم چرا تغییر می‌کند؟ جطور می‌شود که داشتمت فیزیکدان نیوتنی متوجه می‌شود که باید مفاهیم را تغییر بدهد، از کجا این بیش می‌آید، اگر شاتمام عامل را نظام نظری بدانید، اسلام یک داشتمت فیزیکدان نظری هیچ

اصلاً سوال اول این است ابعادی که اینجا حاکم است چند ناست؟ اولین سوال این است چند تا ابعاد دارد؟ که شما در کام بعدی می‌گویید ما همه ابعاد را بپرسیم گردید؟ دومن سوال این است آیا همه ابعاد در دسترس شماست؟ و لکنی، سوال دیگر این است که ساختن مقاومیت کلی چگونه به دست می‌آید؟ سومین چالشی که در ذهن شما می‌اید، از تاریخ علم است در تاریخ علم نظریه‌های پیاره جا افتاده‌ای داشته‌یم که مساعده حکومت گردند بر ما و تمام زندگی ما را جریختاند تقویتمان را بر اساس آنها ساخته‌یم، بعد برای ما باید یعنی شد که اینها باطل بودند اساساً بایبینید بعثت‌های فلسفه علمی کامل‌واروشن است.

من نص خواهیم بگویید موافقم ولی کسانی مثل کوهن، اجون کوهن در ابتدای کار یک مورخ علم است، و اصلاً رشته اصل این تاریخ علم است و بعد نظریه‌اش خیلی تائیز گذاشت به عنوان فلسفه علم مطرح شد و طرفدارانش می‌گویند حتی در طول یک دوره علمی، تعریف و برداشت شما از مقاومیت علمی تغییر می‌کند، بیبینید این خیلی مهم است، یعنی نگاهی که شما به اینزی داشته‌ید، تعریض که داشتید تغییر می‌کند علاوه بر این، همان طور که اشاره گردید، کسانی تغییر گویند تحول و توسعه علم را به صورت خطی مورب می‌دانند می‌گویند بیبینید علم یک دوره عادی دارد در دوره عادی، کاملاً داشتمدن خیال‌شان راحت است، از این جهت راحت است که در این دوره بالغه‌های علمی آنها با هیچ چالش مواجه نشده است. هیچ چالش جدیدی که بنیان برالکن باشد نداریم، این دوره عادی علم مثل انسکالی است که پس از ساقطاً گردن حکومت قیلی، دوره عادی اش را می‌می‌گند بد یک مقداری که می‌گذرد چالش‌های جدیدی فرازیو علم مطرح می‌شود؛ مثلاً فرض کنید در دوره حاکمیت نظام نیوتنی این چالش مطرح می‌شود که اگر نظریه نیوتن درست است پس جرا این جایی ساره از مسیریش منحرف شد به این ترتیب، یک چالش بینا می‌شود نیوتن باید جواب بدهد، چگونه جواب بدهد این هم بماند بیبینید این هم بماند که مثلاً روش شناسی نظریه‌های علمی چگونه است؟ دیدگاه‌های مختلف درباره روش شناسی طرح نظریه‌های علمی و تحول آنها از این شده است، یعنی از بهترین نظریه‌ها در این باره که نسی مورغی آن را بهترین و کامل ترین نظریه در روش شناسی نظریه‌های علمی می‌داند، عبارت است از نظریه روش شناسی پژوهشی این معه لاتوش، بر اساس نظریه وی فرایند پاسخی که مثلاً نیوتن طی می‌کند این است که در پاسخ به چالش مزبور نیوتن چنین دفاع می‌کند نظام کیهان شناسی نیوتن در واقع یک یا چند هسته سخت دارد، فرضیه‌های کمکی را تو این هسته‌سخت می‌سازد، نیوتن می‌اید با فرضیه‌های کمکی از هسته ساخت نظام تقدیر دفاع می‌کند در واقع، نیوتن یک فرضیه کمکی را تو توضیح می‌دهد با اضافه می‌کند یا کم می‌کند با اقطع می‌کند و لذا این چالش را پاسخ می‌دهد اگر چالش پاسخ گرفته، دوره عادی ادامه بینا می‌کند، اما فرض کنید پاسخ نگرفته، یعنی جامعه داشتمدن اسلام را نسی نشستند، گفتنند نه، این راه حل پاسخ گویی چالش مزبور نیست



نمی‌دانیم و اصلاً هیچ پیشنهادی نداریم، اینطور
نیست، نه تنها بحث داشتند بلکه اگر مسأله
درست تعقب شود، راه حل داشته، راه حل هایی
که به مرائب شاید ترجیح دارد به بحث‌هایی که
اگر مطرح من شود.

دکتر نصیری: من صحبت‌های اقای دکتر را
اصلاً رد نمی‌کنم، ولی اینکه فلسفه علم
مشکلشان این است که فلسفه علم نیست
و لانا این ادعای خیلی بزرگ است.
دکتر گیاشمشکی: عرض کردم فلسفه

نیستند عرض نکردم فلسفه علم نیستند.

دکتر نصیری: ادعای خیلی بزرگ است
فلسفه علم بزرگی داریم که حق در مقایسه
با فلسفه خودمان برتراز آنها هست. فلسفه

علم امروز بعد از معتبرتی به از آنها صاحب نظام متافیزیکی هستند، توجه
من کنید، اصلًا این ادعایی که من کنید خیلی ادعای بزرگ است.

دکتر گیاشمشکی: چون از میان راه کامل شروع کردند و عرض
این است که اقای دکتر به بنیاد ترسانده‌اند مسأله را و فلسفه یعنی

فلسفه دین آن سایر فلسفه‌الخالقان، مشکلشان این است که آن‌لوژی
ندازند و پرسش‌هایی را مطرح من کنند که آن پرسش‌ها، تکلیف‌ش در
آن‌لوژی روشن می‌شود و بحث‌های ایست‌لوژی که آنها هم ریشه در
آن‌لوژی دارند مشکل این است که من گویند از میان راه شروع شده،
درست است الان وقتی که کتاب‌های فلسفه علم را شما باز من کنید،
من گویند خوب چطوری من شود این تواری، مثلاً کوتاه‌مدید به ذهن
این فیزیک‌دان با اسل عدم قابلیت را، این چطوری خیلی کار دارد،
چون تبویح از مقاومت دست به دست هم داده‌اند تا یک مشاهده ماده
تبدل شد به یک مفهوم بیجیده مثل مفهوم مثلاً کوتاه‌مدید، با این‌روزی
پاشتاب، این‌ها مقاومت پیجیده‌ای هستند ولی این بیجیده‌گی باعث
نمی‌شود شما مسأله را از همان جا شروع کنید و بعد هم گذشته‌اند بدیده
پیکری و بعد بگویند که این خود بیشتر است، یعنی مقاومت تبوریک، اینها

من خود تسبیه‌ای فضایی بخت.

دکتر نصیری: با مراجعه به این متابع، من بینید که همین فلسفه
علم در موضع بحث که من رسند گویند این بحث، بحث متافیزیکی
است و باید وقت در نظام متافیزیکی حل کرد و بعد به شما می‌گویند
که مثلاً من در اینجا چه نظری دارم و شما را به متابع و کتب دیگر
خودشان ارجاع می‌دهند بینید من تاکید من کنم از این کونه ادعاهای
حناکتری تکثیر، و انکه، واقعاً گاهی اوقات مشکل‌گانی که من کنم،
من بینید فلسفه این را علامه طباطبائی (ره) بنیان‌های لازم برای
پیش‌نیزی و تحلیل را دست کرده و اگر با آن بنیان‌ها برویم سراغ
فیزیک مشکلاتی را که فلسفه فیزیک الان دارد می‌توانیم حل کنیم،
نه اینکه توانیم حل کنیم، مشکله استقرار هم به شکل تحلیل به نظرم
حل می‌شود به نظرم مشکلاتی که فرموده به استقرار اولاد است، عدالت
به استقرار، اماراتی وارد است نه استقرار تحلیلی حالاً این عوایتش است
که دارم، اینکه اقای دکتر فرمودند فضا فضای مباحثه‌ای نیست درست
من گویند این را هم بدانید این بحث‌ها بحث‌های است که جای نقد
و نقایق دارد و باز تاکیدم این است که فلسفه‌های ما مطالعی دارند
که من توافت وارد این میدان شوند و قوی هم وارد مشوند اینطور نیست
که ما در این زمینه مصرف کنند باشیم و بحث‌های مطرح شده را

دکتر گیاشمشکی:

خیلی از فلسفه‌های دوره
جدید از ۲۰۰ تا ۳۰۰ سال
گذشته مشکلشان این است
که واقعاً فلسفه نیستند، به
دلیل اینکه رسالت فلسفه
و مابعد الطبيعه را تعقیب

نمی‌کنند

وقت نباید متوجه خلل آن بیستم شود جون
اسساً جزی بیرون آن مقاومت نظری وجود
ندازد که بیست را به چالش بکشد، در حالی
که شما من بینید با اقتیمت رویه رو من شوید، آن
و القیت جزئی است خاص است حق است
مشاهده‌ای است، بیست شما را به چالش
من کشند و وادارن من کنند کل مقاومت‌تان را
بعضاً تغییر دهد، پاچ تغییر آن مقاومت ریشه در
آن مشاهده دارد، یعنی انجا باید ویزگی‌ها بشی
والحالاً کنید تا مقاومت‌تان را بسازید، عرض
من این است که «بحث تبارنشناس مقاومت
ضروری است»، یعنی خواهیم بگوییم این که
اقای دکتر من فرمایند فلسفه‌های علم واقع
برای این کار نمی‌کنند، درست من گویند، در مقام
توصیف درست من گویند ولی عرض من این است که راه حل هم

بینا نمی‌کنند، مشکلات را مطلع من کنند که این مشکلات ریشه در
بنیان فلسفه دارد و فلسفه بنیادی از این در جایش گفتم این را
مشکل فلسفه‌های قرون پیشتر جه فلسفه علم، چه فلسفه‌های دیگر،
فلسفه دین آن سایر فلسفه‌الخالقان، مشکلشان این است که آن‌لوژی
ندازند و پرسش‌هایی را مطرح من کنند که آن پرسش‌ها، تکلیف‌ش در
آن‌لوژی روشن می‌شود و بحث‌های ایست‌لوژی که آنها هم ریشه در
آن‌لوژی دارند مشکل این است که من گویند از میان راه شروع شده،
درست است الان وقتی که کتاب‌های فلسفه علم را شما باز من کنید،

من گویند خوب چطوری من شود این تواری، مثلاً کوتاه‌مدید به ذهن
این فیزیک‌دان با اسل عدم قابلیت را، این چطوری خیلی کار دارد،
چون تبویح از مقاومت دست به دست هم داده‌اند تا یک مشاهده ماده
تبدل شد به یک مفهوم بیجیده مثل مفهوم مثلاً کوتاه‌مدید، با این‌روزی
پاشتاب، این‌ها مقاومت پیجیده‌ای هستند ولی این بیجیده‌گی باعث
نمی‌شود شما مسأله را از همان جا شروع کنید و بعد هم گذشته‌اند بدیده
پیکری و بعد بگویند که این خود بیشتر است، یعنی مقاومت تبوریک، اینها

هستند که هدایت من کنند مشاهده را به تفظیم من ایند یک مقناری

بحث اگر، عرض من این نیست که فعلاً این‌لوژی بحث من شود،
عرض من این است که باید این‌طوری بحث شود و باز عرض من است
فلسفه‌های ما اینکونه بحث کردن، شاید علامه طباطبائی (ره) وارد
فلسفه فیزیک نشده ولی علامه طباطبائی (ره) بنیان‌های لازم برای
پیش‌نیزی و تحلیل را دست کرده و اگر با آن بنیان‌ها برویم سراغ
فیزیک مشکلاتی را که فلسفه فیزیک الان دارد می‌توانیم حل کنیم،
نه اینکه توانیم حل کنیم، مشکله استقرار هم به شکل تحلیل به نظرم
حل می‌شود به نظرم مشکلاتی که فرموده به استقرار وارد است، عدالت

به استقرار، اماراتی وارد است نه استقرار تحلیلی حالاً این عوایتش است
که دارم، اینکه اقای دکتر فرمودند فضا فضای مباحثه‌ای نیست درست
من گویند این را هم بدانید این بحث‌ها بحث‌های است که جای نقد
و نقایق دارد و باز تاکیدم این است که فلسفه‌های ما مطالعی دارند
که من توافت وارد این میدان شوند و قوی هم وارد مشوند اینطور نیست
که ما در این زمینه مصرف کنند باشیم و بحث‌های مطرح شده را



است یا نه، یک مسئله همان فلسفه علم است که پیشتر آنست: یعنی ما و فشار داشتمدن را مشاهده کردیم و این گزارش بودن مشاهده از نظریه مطرح کردیم در باب استقرا تحلیلی هم یک بحث بسیار مهمی است که آیا استقرا تحلیلی منکل استقرا راحل می‌کند و اعتبار برای استقرا بر این اساس می‌شود یا بان کرد یا نمی‌شود بیان کرد. اعتباری دار بر این اساس علیکم و رحمه الله و بر کاته

امتحا درباره وابطه استقرا بعین معنی فرضیه ریاضی بالاستقرا و فرضیه ریاضی صرفاً بینند متأسفة است بینند من آنجا عنوان یک نظریه جدید ناده بودم، استلال هایم را گفته بودم، منابعم را گفته بودم، مثلاً یکی از جزئیاتی که بود این بود گفته بودم این هست این فرضیه ریاضی در کتب ارسسطو مورد بحث واقع شده ولی انتقال ارسسطو به ما نادرست بوده به خصوص انشال آن به چهلان اسلام، نادرست بوده است و من تو ان ریکه های از بحث درباره فرضیه ریاضی که بپرس مطرح من کند در اثر ارسسطو پاخت، اما هنگام ترجمه الازوی خطای رخ داده که پاعت شده بحث فرضیه ریاضی ارسسطو به ما منتقل نشود و مباحث فرضیه ریاضی وی با مباحث استقرا پکسان نلق شود [برای توضیح بیشتر این بحث و برسی دو لفظی که با یکدیگر خلاص شده اند مراجعه کنید به مقاله پنده در این باره با عنوان هرایطه فرضیه ریاضی با استقرا و حدس در مجله نقد و نظر شماره ۱۴۰ من ۳۰] به هر روی، پهلو بود این سخن من در این مقاله مورد بپرسی قرار می‌گرفت و نایاب دوستان می‌توجده از کار این نکته رد می‌شدند. (این مقصودم کلایه از رد مقاله نیست، بلکه می‌خواهم یک کویم که نایاب نسبت به مطرح کردن نقاوم فلسفه خودمان حسنه باشیم).

دکتر کیاوشمشکی: نه، بحث ما، فقط فلسفه علم است، در فلسفه های دیگر، وقت نظرشان را هم مسکر نیست، ولی اینکه پرسش های فلسفی در باب علم درست طرح و ردیابی شده، پاسخ سر این بحث است، ولا فلسفه غرب خلیل محترم، خلیل از فلسفه هایشن حرفه ای دارد که ما نزدیک، قلیل استفاده نیست، بحث من فقط بحث های استقرا و بحث معرفت علیقی بود.

دکтор نصیری: عرضم ناظر به همین بحث همان درباره استقرا تحلیلی است که شما فرمودید، من واقعاً دغدغه ام این بحث است اما حل آن را به این سادگی ها که شما فرمودید نمی دانم.

دکتر کیاوشمشکی: نشستی هم اگر برگزار شود واقعاً خوب است استقرا تحلیلی را برسی کنیم.

دکتر نصیری: دوستان من دانند من در پروژه در پژوهشگاه واقعاً یکی از دغدغه هایم همین است، یک سال فقط من نلاش کردم تا بیشینه می‌شود استقرا را به گونه ای پاسخ بدهمی داد که مثلاً این سیما بحث هایش چکونه است، وقتی مقایسه می‌کنید همین بحث را مقایسه می‌کنید بالبین، متوجه می‌شود که لبیتون واقعاً ابداع بحث را پس از عالی تر از این سیما بحث کرده است، توجه می‌کنید ولی به نظر من هنوز هم توانسته اند مشکله استقرا را حل کنند.

اقای حسنه: پس یک بعثی در باب استقرا تحلیلی هم اش، الله در اینده خواهیم داشت . یک جمع بندی سریع من اتجام بددهم، جایگاه مشاهده در «معرفت علمی»، یک جایگاه اساس شناخته شده و دو تا رویکرد به نظریه های علمی مطرح شده که رویکرد واقع گرایانه و رویکرد لیزر ایکلاته که رویکرد واقع گرایانه معرفت علمی، راصدق رسان می داشت و رویکرد لیزر ایکلاته معرفت علمی را ناظر به حل مشکل می داشت در بحث استقرا دو گونه استقرا مطرح شد استقرای اماری با شمارشی با استقرای تحلیلی که یک مسئله جالش بر انگیز مسئله گزاری بودن مشاهده از نظریه است که دو تا بحث در گزارش بودن نظریه از مشاهده وجود که آیا این مسئله یک مسئله معرفت شناختی و بیشین



اخبار علمی- فرهنگی جمع‌عالي

جلسات هیئت مدیره

گروه علمی کلام

- گروه علمی کلام در مهر و آبان ۱۳۹۰، جهاد نشست برگزار کرد که به بروزرسانی موضوع ذیل برداخته:
- بروزرسانی ویژگی‌های امام از نگاه منکمان قرن هفتم به بعد با زایه بحث توسط حجت‌الاسلام والملین جریانی؛
- علم امام با زایه بحث توسعه حجت‌الاسلام والملین زمانی قشتایی؛
- اذله علم امام از دیدگاه منکمان با زایه بحث توسط حجت‌الاسلام والملین زمانی قشتایی؛
- کارشناسی از فرقه‌ای‌ایشان با زایه بحث توسط حجت‌الاسلام والملین رضا اززاد.

گروه علمی معرفت‌شناسی

- گروه علمی معرفت‌شناسی در مهر و آبان ۱۳۹۰، جهاد جلسه برگزار نمود که در آن موضوعات ذیل مورد بروزرسانی قرار گرفته:
- نقد و بروزرسانی کتاب بن لایه‌های شناخت (بحث دلالات) توسط جناب اقای عارفی؛
- نقد و بروزرسانی کتاب بن لایه‌های شناخت (بحث عقل) توسط جناب اقای عبدی؛
- نقد و بروزرسانی کتاب بن لایه‌های شناخت (بحث مباحث تطبیقی) توسط حجت‌الاسلام والملین کاشانی‌کی؛
- نقد و بروزرسانی کتاب بن لایه‌های شناخت (بحث حقیقت ادراک حسی از دیدگاه علامه طباطبائی) توسط حجت‌الاسلام والملین فیروز جامی.

گروه علمی فلسفه دین

- گروه علمی فلسفه دین در مهر و آبان ۱۳۹۰ یک جلسه برگزار نمود که در آن به بروزرسانی برنامه‌های گروه برداخته شد.

گروه علمی فلسفه علوم انسانی

- گروه علمی فلسفه علوم انسانی نیز در مهر و آبان ۱۳۹۰ سه جلسه برگزار و موضوعات ذیل مورد بروزرسانی قرار گرفت:
- بروزرسانی وجود و ماهیت با زایه بحث توسط ایت الله فیاضی؛
- مراد علامه طباطبائی از اسالت وجود و اختبار ماهیت با زایه بحث توسعه حجت‌الاسلام والملین امینی نژاد؛
- غیرتجزی و اصل وجود و محصول مابعد طبیعی نبودن آن با زایه بحث توسعه حجت‌الاسلام والملین سليمانی؛
- گزارش از همایش مبانی فلسفی علوم انسانی توسعه حجت‌الاسلام والملین دکتر علی مصباح.

جلسات هیئت مدیره

هیئت مدیره مجتمع عالی حکمت اسلامی مرداد شهریور مهر و آبان ۱۳۹۰، با برگزاری ۱۱ جلسه اهم موارد ذیل را مورد بروزرسانی قرار داد

- بروزرسانی درخواست‌های علمی و پژوهشی و اصله به مجتمع عالی؛
- تصویب همکاری علمی با همایش "اسلام و مسیحیت"؛
- تغییر موضوعات آموزشی پلند مدت سال تحصیلی ۹۰-۹۱؛
- تغییر موضوعات آموزشی هشتمین دوره آموزش کوانه مدت:
- بروزرسانی و تصویب عضویت اعضاً جدید؛
- تصویب ائمین نامه اجرایی گروه‌های علمی؛
- تصویب جذب همکار پژوهشگر؛
- بروزرسانی و خصوصیت گروه‌های علمی و چگونگی قبال ترشیح گروه‌ها؛
- تصویب تشکیل گروه‌های علمی جدید فلسفه دین، فلسفه اخلاقی، فلسفه علوم انسانی، فلسفه حقوق و فلسفه سیاست؛
- تصویب انتشار برخی از اثار علمی حجت‌الاسلام والملین مهندسی (ره) که تاکنون مستشر نگردیده است، همچنین تصویب انتشار یادنامه و پژوهه برگذشت مقام مرحوم مهندسی؛
- تصویب موضوعات نشست های علمی که تا یادان سال ۱۳۹۰ برگزار خواهد شد؛
- تغییر زمان برگزاری چهارمین دوره انتخابات هیئت مدیره؛
- بروزرسانی راهکارهای تحقق برنامه و بودجه سال جاری و سال ۱۳۹۱؛
- تصویب ائمین نامه نرم‌های پژوهش؛
- بروزرسانی و تصویب تغییر برنامه و قفسی پایگاه اطلاع‌رسانی مجتمع عالی؛
- بروزرسانی مسائل جاری و اجرایی دفتر.

جلسات گروه‌های علمی

گروه علمی فلسفه

- گروه علمی فلسفه در مهر و آبان ۱۳۹۰، چهار جلسه برگزار نمود که در آن به موضوعات ذیل برداخته شد:

- علم حمولی و حضوری به ماهیت وجود از منتظر ملاصدرا و نقد و بروزرسانی آن با زایه بحث توسعه حجت‌الاسلام والملین معتمد؛
- عینت وجود و ماهیت با زایه بحث توسعه ایت الله فیاضی؛
- مراد علامه طباطبائی از اسالت وجود و اختبار ماهیت با زایه بحث توسعه حجت‌الاسلام والملین امینی نژاد؛
- غیرتجزی و اصل وجود و محصول مابعد طبیعی نبودن آن با زایه بحث توسعه حجت‌الاسلام والملین سليمانی.



برگزار شد این کارگاهها در قالب طرح ضیافت اندیشه با حضور چهار نفر از اساتید گروه علم دینی مجمع عالی حکمت اسلامی در پنج سالان، از لول ماه مبارک رمضان شروع و به مدت ۱۰ روز آمده داشت در مجموع ۳۶۰ نفر از اساتید دانشگاهی کنسر در این برنامه حاضر داشتند. اساتید شرکت کننده در این طرح به احاطه رتبه بندی دانشگاهی از سطح مردم تا اسناد تمام دانشگاه بودند به اعتراض مسئولین نهاد تعاونی مقام معظم رهبری در دانشگاهها، اساتید گروه علم دینی بر اساس نظر سنجی صورت گرفته از اساتید شرکت کننده در این طرح، حائز ترتیب بالاتری از لحاظ کیفیت آموزش و سطح ارزش مطالعه را به خود اختصاص دادند.

همکاری مجمع عالی حکمت اسلامی با همایش «اسلام و مسیحیت»



همایش اسلام و مسیحیت (ارتنوکس گرجستان) از سوی بروزه شکده علوم اسلامی بروزه شکده بین المللی المعنی ویسنه به جامعه المصطفی العالمیه و با همکاری تعاونی جامعه المصطفی العالمیه در جمهوری گرجستان، مجمع عالی حکمت اسلامی و دانشگاه ادبیان و متفکران ایران ماده ۱۳۹۰ جاری در سال همایش های مجتمع آموزش عالی امام خمینی (ره) برگزار شد در این همایش یک روزه اندیشنده و متفکران از دو کنسر ایران و گرجستان به بیان دیدگاههای خود برداختند قرار است که دومین جلسه همایش اسلام و مسیحیت در سال آینده میلادی در گرجستان برگزار گردد.

همکاری مجمع عالی حکمت اسلامی با همایش «علماء طباطبائی، فیلسوف علوم انسانی اسلامی»

همایش یک روزه «علماء طباطبائیان فیلسوف علوم انسانی اسلامی» در ایام ماده ۱۳۹۰ از سوی بروزه شکده فرهنگ و اندیشه با همکاری مجمع عالی حکمت اسلامی و موسسه حکمت و فلسفه ایران در سال بروزه شکده فرهنگ و اندیشه برگزار گردید در اختتامیه این همایش حضرت آیت الله المظمن جواہر املى از شاگردان بر جسته مرحوم علامه طباطبائی (ره) و از ناظرین معلم مجمع عالی حکمت اسلامی به تین جایگاه علمی و حکمی علامه (ره) برداختند.

تشکیل گروه های علمی جدید در مجمع عالی حکمت اسلامی

بر اساس مصوبه هیئت مدیره محترم مجمع عالی حکمت اسلامی گروه های علمی جدید تشکیل من شود بر اساس تصمیمه هیئت مدیره مجمع عالی گروه های علمی فلسفه دین، فلسفه اخلاق، فلسفه

گروه علمی فلسفه اخلاق

گروه علمی فلسفه اخلاق نیز در مهر و آبان ۱۳۹۰ سه جلسه برگزار نمود و به موضوعات ذیل برداخته: -بررسی و تعیین موضوعات گروه (دو جلسه) -زن و حق تصمیم کبری در بدن بالانه بحث توسعه حجت اسلام و المسلمین آن بودند

گروه علمی عرفان

گروه علمی عرفان نیز در مهر و آبان ۱۳۹۰ سه جلسه برگزار و موضوعات ذیل مورد بررسی قرار گرفت: -ضرورت وجود عنصری انسان کامل در همه عصرها و زمان ها و دوره ها با ارزانه بحث توسعه حجت اسلام و المسلمین رفاقتی -ضرورت وجود انسان کامل با این عنصری در عالم ماده با ارزانه بحث توسعه حجت اسلام و المسلمین رجیفی -بررسی طرح چگونگی برخورد با حرکات شد فلسفی و عرفانی اخیر با ارزانه طرح توسعه حجت اسلام و المسلمین اینی تزاد

حضور بروزه شکده ای در مجمع عالی حکمت اسلامی



بروزه شکده ای از موسسه مطالعات خاورمیانه و سردبیر مجله بین المللی دین و صلح در باز دید از مجمع عالی حکمت اسلامی بر همکاری مجمع عالی حکمت اسلامی و موسسه مطالعات خاورمیانه تاکید کرد. آقای بارک هیوندو چهارشنبه ۲۶ مرداد ۹۰ در جلسه مشترک با حجت اسلام و المسلمین رضاخزاده عضو هیئت مدیره و مدیر گروه کلام و محمد باقر خراسانی مدیر اجرایی مجمع عالی فتن اشتاینی با برنامه ها و فعالیت های مجمع عالی حکمت اسلامی خواستار همکاری مجمع عالی با موسسه مطالعات خاورمیانه و مجله بین المللی دین و صلح شد. در این جلسه که یک نشست علمی بود وی سوالات خود را پیرامون سکولاریسم، دلالت رویکرد پیروز ایوان ایران غیر اسلام به سکولاریسم، راه کارهای مقابله اسلام با سکولاریسم، دین و عقل، خداشناسی، فلسفه، کلام و ... مطرح نمود که حجت اسلام و المسلمین رضاخزاده مدیر گروه علمی کلام پاسخ های لازم را مطرح نمود. وی حضور در مجمع عالی و پدره مندی از نظرات کارشناسان و دریافت پاسخ سوالات و شیوهات خود را فرست مقتضی بر شمرد.

برگزاری کارگاه های علمی دینی ویژه اساتید دانشگاه ها

طرح کارگاه های علمی دینی ویژه اساتید دانشگاهها در ماه مبارک امسال

مورد ارزیابی کارشناسان محترم قرار گردید و ماحصل ارزیابی ها جهت استفاده عموم منتشر شود.

پادشاهی حرم حجت‌الاسلام و المسلمین مهندس منتشر می‌شود



با توجه به بیانات مذکور در مجمع عالی حکمت اسلام و المسلمین مهندس، وزیر امور اسلامی از مقام علی مرحوم حجت‌الاسلام و المسلمین مهندس، وزیر امور اسلامی متشر خواهد شد این ویژه نامه شامل مباحث و موضوعات مختلف از جمله زندگینامه استاد مصباح‌الهای با دوستان، خاتمه و متأله در این زمینه می‌پاسد لازم به ذکر است که حضرت حجت‌الاسلام و المسلمین مهندس از اعضا هیئت مدیره مجمع عالی حکمت اسلام در تیرماه ۱۳۹۰ دارایی را وداع گفت.

موضوعات آموزشی سال تحصیلی ۹۰-۹۱ اعلام شد

موضوعات آموزشی پانزده مدت سال تحصیلی ۹۰-۹۱ مجمع عالی حکمت اسلامی اعلام شد برای انسان به منظور پروره‌مندی طلاب و فضلای محترم از استادی مجری علوم عقلی اسلامی، موضوعات ذیل تعیین گردید:

- آثار: شرح چهل حدیث؛ شوارق الالهاء؛ اشارات؛ کلام جدید
- تمہید القواعد؛ بداية الحکمة؛ نهاية الحکمة؛ الجوهر النضيد؛ تحرید الاعتقاد؛ شواهد الریوبه؛ حکمت متعاله؛
- مجمع عالی حکمت اسلامی ضمن احترام به محضر استادی مجرم علوم عقلی اسلامی که با پرکاری کلاس‌های مختلف آموزش نسبت به پرورش نساجی‌دان مکتب اهل بیت عصمت و طهارت (نهیه‌الساده) هست می‌گمارد، به دلیل محدودیت متابع فقط برخی از دروس را تحت پوشش قرار می‌دهد.

هشتمن دوره آموزشی کوتاه مدت

موضوعات هشتمن دوره آموزشی کوتاه مدت آموزش کوتاه در سال تحصیلی ۹۱-۹۰ مجمع عالی حکمت اسلامی اعلام شد برای انسان به منظور پروره‌مندی طلاب و فضلای محترم از استادی مجری علوم عقلی اسلامی، موضوعات ذیل تعیین گردید:

- امامت تطبیقی توسعه حجت‌الاسلام و المسلمین استاد زهادت؛
- روان‌شناسی دین از دیدگاه ویلیام جیمز توسعه حجت‌الاسلام و المسلمین دکتر آذری‌باجانی؛
- فلسفه ذهن (تفاوت قوت و ضعف دیدگاه‌های معاصر فلسفه ذهن) توسط افایی دکتر ذاکری؛
- فلسفه تحلیلی (بارویکرد تطبیقی به مباحث الفاظ علم اصول) توسعه حجت‌الاسلام و المسلمین دکتر عبداللهی؛
- تقدیم برسی فرق ائمها (سوفیه، غالان، اهل حق، شیخیه، پیغمبریت و...) توسعه حجت‌الاسلام و المسلمین استاد رضا زاده.

علوم انسانی، فلسفه حقوق و فلسفه سیاسی تشکیل خواهد شد که گروه‌های علمی فلسفه اخلاق و فلسفه علوم انسانی از ابتدای سال تحصیلی ۹۰-۹۱ فعالیت علمی خود را شروع نمودند و گروه‌های علمی فلسفه حقوق و فلسفه سیاسی نیز بزودی فعالیت خود را شروع خواهند نمود. اعضای محترم مجمع عالی که در خواست حضور در گروه‌های علمی جدید و ادارنده می‌توانند با دفتر مجمع عالی تعاون حاصل فرمایند.

حضور محقق آلمانی در مجمع عالی حکمت اسلامی



دکتر کلوس فون اشتونش محقق و استاد دانشگاه پاریس بورن آلمان ضمن اشتاین با مجمع عالی حکمت اسلامی با مدیر گروه علمی کلام دیدار نمود. افایی دکتر کلوس فون اشتونش که موسسه کلام تطبیقی را در دانشگاه پاریس بورن آلمان تأسیس کرده‌اند، دوشهیه ۲۸ شهریور ۹۰ ضمن اشتاین با مجمع عالی حکمت اسلامی با حجت‌الاسلام و المسلمین رضا زاده مدیر گروه علمی کلام به گفتگو برداخت. وی با اطرح سوالاتی پیرامون جیش حکمت، امکان فهمیدن کلام اسلامی برای غیر مسلمان، تفاوت فلسفه و متکلبه، کلام تطبیقی، تبلیغ و تاریخچه پیدایش آن و... مطلع را می‌آورد. افایی فون اشتونش با پذیرش و قبول تقدیر قرآن بر تبلیغ و مسائل مرتبط به آن به تسریع اعتقاد مسیحیان نسبت به تبلیغ برداخت. حجت‌الاسلام و المسلمین رضا زاده عضو هیئت مدیره مجمع عالی و مدیر گروه علمی کلام نیز در این نشست علمی پکی از مشکلات جامعه امروز را عدم اطلاع ادیان از اعتقادات و کلام یکدیگر دانست وی در فضای علمی به پرسش‌های مطرح شده توسعه افایی فون اشتونش پاسخ‌های لازم را ارائه نمود.

در این گفتگوی علمی حجت‌الاسلام و المسلمین رضا زاده سوالات خود را پیرامون تبلیغ و اعتقادات کلامی مسیحیت مطرح نمود که مقرر شد در جلسه دیگری موارد مطرح شده مورد برسی قرار گیرد و پاسخ‌های منطقی از سوی دکتر فون اشتونش ارائه شود.

جزای طرح جایگاه‌شناسی حکمت اسلامی

طرح جایگاه‌شناسی حکمت اسلامی پس از برسی توسعه کارشناسان محترم از مهرماه ۱۳۹۰ به اجرا در آمد. بر این اساس سوالاتی پیرامون جایگاه‌شناسی حکمت اسلامی تهیه که مقرر شد مصاحبه‌هایی با صاحب نظران حکمت اسلامی ترتیب داده شود که در مرحله اول آیت‌الله دکتر احمد بهشتی به سوالات این طرح پاسخ گفتند قرار لست تاییح مصاحبه‌ها پس از برسی و تصویب نهایی توسعه استادی.



معرفی کتاب

عنوان: معرفت‌شناسی و مباحث جدید کلامی

نویسنده: حسن معلمی

ناشر: مؤسسه بوستان کتاب

سال نشر: ۱۳۹۰

تعداد صفحات: ۲۶۴

کتاب معرفت‌شناسی و مباحث جدید کلامی تازه‌ترین اثر منتشر شده از حضرت حجت‌الاسلام والملیم استاد حسن معلمی می‌باشد. نویسنده محترم در مقدمه کتاب، به تفصیل، توضیحاتی را در این موضوع ارائه کرده است. متن مقدمه چنین است:

فرض کیه در فضای سر سبز و آکنده از گل‌های مختلف با رنگ‌های گوناگون به مطالعه انواع گل‌ها شغفیلد و این کار را با میل خاصی با استفاده از دوربین دوربردی که مخصوص این کار است، انجام می‌دهید و در این مطالعه، رنگ و شکل و اندازه‌ها مورد نظر شماست. حال اگر کسی از شما پرسید که از کجا مطمئن هستید عدس دوربین شما محدب یا مقعر و یا دودی نیست و شما را با این سوال چهار تردید کند، کار منطقی شما بعد از آن سوال چه خواهد بود. قطعاً به مطالعه دوربین و پرسی این خواهید پرداخت تا مطمئن شوید دوربین مورده نظر، واقعیات را آن کوئه که هستد به شما نشان می‌دهد.

نه بزرگتر و نه کوچکتر و نه رنگی.
حال اگر کسی همین سؤال را در پاب دستگاه ادراکی و ذهن
پسر مطرح کند: یعنی سؤال کند که از کجا مطمئن باشیم
ذهن و دستگاه ادراکی ما انسان‌ها حقایق و واقعیات را آن کوئه
که هستند به ما ارائه می‌دهد، مخصوصاً با توجه به خطاهاي
حوالی، عکس‌المم متحقق چیست؟

روشن است که مطالعه ذهن و دستگاه ادراکی پسر و نوجوان
دستیابی به علوم و ادراکات و اثواب ادراکات آن، مباحثی
است که باید مطرح گردد.



قدمهای تکمیلی همیشه لازم و ضروری است برسشها
و شیوهای معرفت‌شناسی به تدریج وارد حوزه دین و مباحثت
مربوط بدان نیز شد و بحث تغیر معرفت دینی، حقایق ادبیان
و فرانکهای مختلف از بین آمدهای آن است.
این نوشتار بر آن است که مروری کوتا و مختصر در این
زمینه داشته باشد تا عموم داشجویان و
جوالان اهل مطالعه به آسانی بتوانند در این
زمینه آگاه گردند و احتماناً پاسخ سوال‌هایی
که ناگفته خود را دریافت گند.
۱۱
مباحثت مطرح در این نوشتار

عبارت است از:

۱. مباحث متدمانی و شکاکیت:
۲. مخالفت:
۳. معرفت دینی:
۴. پلورالیسم و کترنگرایی:
۵. هرمونتیک (فرانکهای مختلف):
۶. عقل و ایمان^{۱۰۱}:
۷. عقل و ایمان^{۱۰۲}:
۸. کوهر و صدف دین:
۹. اخلاق و دین:
۱۰. حکومت دینی:

بررسش‌هایی که در ریاضی و فیزیک یا فلسفه مطرح می‌شود
بررسش‌هایی در باب حقایق و واقعیات هستند است:

- خدا وجود دارد؟

- آیا آب در دمای صد درجه به جوش می‌آید؟

- آیا نفس فاتی است؟

- آیا $2 \times 2 = 4$ می‌شود؟

مطلوب در این سوال‌ها واقع است اما سوال‌هایی که از
دستگاه ادراکی پسر و صحت و سقم آن می‌شوند از
واقعیات نیست، بلکه سوال از نحوه رسیدن به واقعیات است:
یعنی:

- منشأ پیدایش ادراکات پسری چیست؟

- ایزول ادراک بشری کدام است؟

- ملاک و معیار صحت و خطای ادراکی چیست؟

در طول تاریخ فلسفه، این گونه سوال‌ها مطرح بودند است و
 حتی در فلسفه غرب (یونان باستان) سوکrates و شکاکیس
 وجود داشتند که اعتبار علم و ادراک را مورد تردید قرار
 داده‌اند و در مواردی آن را انکار و شیوه‌ای را در این باب
 مطرح کردند این سخن خود را توسعه تعارض فلسفه و
 علماء در باب فهم حقایق، خطاهای حواس و تفاوت فرهنگ‌ها
 و ادب و رسوم تقویت می‌کردند و افراد مختلفی در این زمینه
 مطالعی عرضه گردیدند.

دوره رتسائیس که در مرحله دوم شک‌گرایی غرب است،
 شیوه‌ای در این باب به طور جدی تر مطرح کرد و دین، اخلاق
 و فلسفه مسورد تردید جدی قرار گرفت، گرچه فلاسفه‌ای
 همچون دکارت به مبارزه با شک‌گرایی پرداختند، ولی طول
 نکشید که فلاسفه تجربی ائکلیستیانی را پایه ریزی گردند
 که در تپایت توسعه هیوم به شک‌گرایی مهم تری تبدیل شد و
 کائن که پایه و اساس معرفت‌شناسی واقعی را بیان ساخته
 ولی مسئله در فلسفه اسلامی کاملاً متفاوت است، زیرا مسیر
 معرفت‌شناسی در فلسفه اسلامی به صورت نکاملی و اصلاحی
 است؛ یعنی تایپیش از علامه طباطبائی معرفت‌شناسی به طور
 ضعی مطرح بوده است (گرچه در همین حد تبیز مطالب
 ارزشمندی توسعه فلسفه اسلامی مطرح شد، پایه و اساس
 معرفت‌شناسی در فلسفه اسلامی قرار گرفت) و بعد از علامه
 طباطبائی، شهید مظہری و شهید صدر و دیگر بزرگان مطالب
 ارزشمندی را در این باب مطرح کردند، پس از آن های نیز
 کتاب‌هایی در همین زمینه به نکارش درآمد و امروز با مطالب
 منسوج و فراوانی در این باب زمینه مواجه هستند، گرچه





مجمع عالی حکمت اسلامی

در راستای حمایت علمی از طلاب و دانش پژوهان سطح ۳ و ۴

و دانشجویان مقطع کارشناسی ارشد و دکتری که در حال تدوین پایان نامه

و یا پژوهش در یکی از موضوعات مرتبط با علوم عقلی می‌باشند،

خدمات مشاوره علمی

ارائه می‌نماید.

علاقهمندان جهت کسب اطلاعات بیشتر می‌توانند با تلفن ۰۱۱-۷۷۵۷۶۱۰ تماس و یا
به پایگاه اطلاع‌رسانی WWW.Hekmateislami.com مراجعه نمایند.

آدرس:

قم - خ ۱۹ دی (باجک) - کوچه ۱۰ - فرعی اول سمت چپ - پلاک ۵

صبح‌ها: ۱۲ الی ۱۹
زمان مراجعه: بعد از ظهر‌ها: ۱۶ الی ۲۰



کتابخانه تخصصی علوم عقلی وابسته به مجمع عالی حکمت اسلامی از محققین و دانش پژوهان مراکز تخصصی مرتبط با علوم عقلی عضو می‌پذیرد.

مدارک مورد نیاز:

۱. یک قطعه عکس جدید رنگی (3×4)
۲. کپی شناسنامه و کارت ملی
۳. ارائه کپی آخرین مدرک تحصیلی
۴. معرفی نامه از استاد یا مراکز تخصصی

عالقمندان جهت ثبت نام و کسب اطلاعات بیشتر می‌توانند هر روز از ساعت ۹-۱۲ و ۱۶-۲۰ به دفتر مجمع عالی حکمت اسلامی واقع در خیابان ۱۹ دی / کوچه ۱۰ / فرعی اول سمت چپ / پلاک ۵ مراجعه نمایند.



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

با عنایت خداوند متعال و توجهات حضرت حضرت ولی عصر(عج)

مجمع عالی حکمت اسلامی

در راستای بیهودمندی طلاب و فضلاً محترم از اساتید مجرب علوم عقلی اسلامی
دروس ذیل را در سال تحصیلی ۹۰ - ۹۱ ارائه می‌نماید.

ردیف	موضوع	حضرات آقایان	اسناد	زمان برگزاری	مکان	ملاحظات
			حضرات آقایان	زمان	ساعت	
۱	اسفار جلد ۷ (از ابتداء)	اسحق نبا	هزار سه قریب	هر روز	دو ساعت	مدرسه فیضیه، مدرس امام(ره)
۲	اسفار جلد ۳ (بحث عقل، عاقل، معقول)	پارستاها	هزار سه قریب	هر روز	۷-۸	مدرسه فیضیه حجره ۱۱
۳	شرح چهل حدیث حضرت امام(ره) (حدیث شاذدهم به بعد)	تحیربری	هزار سه قریب	سشنده‌ها	یک ساعت	مجمع عالی حکمت اسلامی
۴	اسفار جلد ۶ (المولف الرابع)	جوادی امیر	هزار سه قریب	هر روز	۹-۱۰	مدرسه فیضیه مدرس معدوبیه (بن)
۵	شوارق الایام جلد ۳ (المساله النافی)	حشمت پور	هزار سه قریب	هر روز	۷-۸	مدرسه آیت الله العطائی بروجردی (خان)
۶	شارات جلد ۳ (معظ ششم)	حشمت پور	هزار سه قریب	هر روز	۸-۹	مدرسه آیت الله العطائی بروجردی (خان)
۷	کلام جدید (بحث عقل و دین)	ربانی کتابپردازی	هزار سه قریب	هر روز	۱۰-۱۱	مدرسه فیضیه مدرس امام(ره)
۸	تمهید القواعد (فصل چهل)	ردیفان	هزار سه قریب	دوشنبه، سهشنبه به غروب	یک ساعت	مجمع عالی حکمت اسلامی
۹	اسفار جلد ۳ (از ابتداء)	زمیس قشمیانی	هزار سه قریب	هر روز	بداران قمر	مدرسه فیضیه، حجره ۲۴
۱۰	بداية الحکمة	سریعیش	هزار سه قریب	هر روز	۸-۹	مسجد حضرت آیت الله جوادی امیر (بن)
۱۱	منظلق (الجوهر التأبید) (از ابتداء)	سلیمانی تبری	هزار سه قریب	دوشنبه و چهارشنبه	۱۸-۲۰	مجمع عالی حکمت اسلامی
۱۲	نهایة الحکمة (المرحلة السابعة)	شہروانی	هزار سه قریب	هر روز	۷-۸	دارالشناخت مدرس ۲
۱۳	شرح چهل حدیث حضرت امام(ره) (از ابتداء)	طرکیس	هزار سه قریب	شنبه‌ها	یک ساعت	مجمع عالی حکمت اسلامی
۱۴	شرح تحریر الاعتماد	طرکیس	هزار سه قریب	دوشنبه و چهارشنبه	۱۶:۱۳	مجمع عالی حکمت اسلامی
۱۵	الستاریں با میانی حکمت متعالیہ	عبدیت	هزار سه قریب	دوشنبه‌ها	۱۶:۳۰	مجمع عالی حکمت اسلامی
۱۶	اسفار جلد ۱ (مرحله الثالث)	لبانی	هزار سه قریب	شنبه ناس دوشنبه	۹-۱۰	موسسه امام خمینی(ره)
۱۷	اسفار جلد ۱ (از ابتداء)	گرجان	هزار سه قریب	هر روز	۷-۸	مدرسه فیضیه حجره ۱۴
۱۸	شواهد الروبوۃ (ادایه مشهد الاول)	گرجان	هزار سه قریب	دوشنبه‌ها	۸-۱۰	دانشگاه بالقرآنعلوم(ع)
۱۹	اسفار جلد ۸	ملمن	هزار سه قریب	یعنی شنبه‌ها	۱۰-۱۲	دانشگاه بالقرآنعلوم(ع)
۲۰	اسفار جلد ۶ (از ابتداء)	سدوح	هزار سه قریب	هر روز	۱۰-۱۱	مدرسه آیت الله العطائی بروجردی (خان)
۲۱	اسفار جلد ۱ (فتح النافی)	نایبیس	هزار سه قریب	هر روز	۸-۹	مسجد امام حسن(ع) - (جن)
۲۲	حکمت متعالیہ	بزرگان بناء	هزار سه قریب	دوشنبه و چهارشنبه	۱۱-۱۲	مدرسه ولی عصر(عج)
۲۳	نهایة الحکمة (از ابتداء)	بوسنی	هزار سه قریب	یکشنبه ناس	۷-۸	مدرسه سعادت

علاقهمندان جهت کسب اطلاعات بیشتر می‌توانند با تلفن ۱۱ - ۷۷۵۷۶۱۰ تماس و یا به پایگاه

اطلاع رسانی مجمع عالی با آدرس www.HekmateIslami.com مراجعه نمایند.



«این چشمی جوشان و فیاض دانش و عرفان و تقوای اسلامی - علامه طباطبائی(ره) - در راه تعلیم و تربیت شاگردانی که هر یک در عالم اسلام دانشمندی برجسته‌اند، توقیفی کم‌مانند داشته است... آیت‌الله علامه طباطبائی مجموعه‌ای از معارف و فرهنگ اسلام بود.»